

Construction of Social Aspects of Marginalization and Identification of Livability Damages in Hoveyzeh City Using GIS

Marziyeh Shahryari * | Assistant Professor of Sociology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Fatemeh Hamidi  | BA of Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Abstract

Informal housing is a common style of urban growth in most developing countries and is organized somehow which is neither urban nor rural. This study aimed to understand the daily life experience of citizens in the suburbs of Hoveyzeh city in Khuzestan province. The research method in this research was based on the qualitative method in the form of data theory and the data collection technique was semi-structured interviews and participatory field observations. To achieve the research objectives, 20 residents of these areas have been purposefully selected. Interviews continued until the saturation of data. After coding, 21 main categories of data emerged, each of which was analyzed based on the text of the interviews. In terms of conditions including (lack of support and skills, disregard for spatial justice, the need to change the space for social change, sense of abandonment, direct experience of war, actors' mental contexts, historical criticism of the produced space, marginalized lifestyle, acceptance and normal Marginal life, destiny and heredity, local dependence on interests and connections, combination of fear and narrative) and in the action-interaction dimension (confrontation, conflict, comparison, feeling of despair in changing the situation, the blind cycle of poverty) and in Then there are the consequences (marginalization of the marginalized, the principles of the right to the city as a missing link, the combination of fear and narrative, self-reliance) that have formed around a core category called (bio-luxury and return to habit). Finally, after extracting the findings, using the GIS, the relationship between location and the incidence of injuries is discussed and

* Corresponding Author: m.shahryari@scu.ac.ir


How to Cite: shahryari, M., Hamidi, F. (2022). Construction of Social Aspects of Marginalization and Identification of Livability Damages in Hoveyzeh City Using GIS, *Journal Urban and Regional Development Planning* , 6(19), 87-135.


the results are expressed analytically and graphically. Also, the results of the spatial analysis show that among the vulnerability components, most of Hoveyzeh's areas are exposed to security and psychological vulnerabilities.

Keywords: Marginalization, Grounded Theory, Habitual, GIS, Hoveyzeh.



برساخت سویه‌های اجتماعی حاشیه‌نشینی و شناسایی آسیب‌های زیست‌پذیری شهرستان هویزه با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی

مرضیه شهریاری  * استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

فاطمه حمیدی  کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

چکیده

اسکان غیررسمی شکل رایج رشد شهری در اکثر کشورهای در حال توسعه است و شکلی از نحوه زیست که نه شهرنشین‌اند و نه روستائین را سامان داده‌اند. براین اساس هدف پژوهش حاضر بررسی فرآیند شکل‌گیری تجربه حاشیه‌نشینی در محلات حاشیه‌نشین شهرستان هویزه در استان خوزستان می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش مبتنی بر روش کیفی به شیوه نظریه داده‌بنیاد و تکنیک گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مشاهدات میدانی مشارکتی بوده است. برای دستیابی به اهداف تحقیق ۲۰ نفر از ساکنان مناطق هویزه، به شیوه هدفمند انتخاب شده‌اند. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع داده‌ها ادامه داشتند. بعد از کدگذاری، ۲۱ مقوله اصلی از داده‌ها پدیدار شد. در بعد شرایط شامل (فقدان حمایت و مهارت، بی‌توجهی به عدالت فضایی، ضرورت تغییر فضا به تغییر اجتماعی، حس رهاشدگی، تجربه مستقیم جنگ، بسترهای ذهنی کنشگران، انتقاد تاریخی به فضای تولیدشده، و ...)، در بعد کنش - تعامل (تقابل، تعارض و مقایسه، احساس استیصال در تغییر وضعیت، چرخه فقر) و در بعد پیامدها (حاشیه‌نشینی شدن حاشیه‌نشینان، اصول حق به شهر به عنوان حلقه مفقوده، تلفیق هراس و روایت، تکنیک خودحمایتی) است که حول یک مقوله هسته به نام (زیست لاکچری - فقیرانه و بازگشت به عادت واره) شکل گرفته‌اند. همچنین طبق نتایج حاصل از تحلیل فضایی، در بین مؤلفه‌های آسیب‌پذیری، آسیب‌پذیری امنیتی و روحی در اکثر مناطق هویزه وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: حاشیه‌نشینی، نظریه داده‌بنیاد، سامانه اطلاعات جغرافیایی، هویزه، عادت واره.

مقدمه

امروزه در جهان، توسعه‌خواهی تبدیل به جنبشی فراگیر و جهانی شده است اغلب دولت‌ها و ملت‌ها خواهان توسعه هستند اما مراد از توسعه در این میان متفاوت است. از گذراندن امور روزمره تا فراغت‌ها از فقر مطلق تا بهبود دسترسی به خدمات اساسی اقتصادی و اجتماعی و نیز بهبود مستمر و ارتقای مداوم کیفیت زندگی جهت برخورداری از یک شهر زیست پذیر، شهری که نیازهای ساکنان کنونی را بدون کاهش توانایی برای نسل‌های آینده برآورده کند و به یک رابطه ایده‌آل بین محیط‌زیست شهری و زندگی اجتماعی که آن را پایدار می‌کند وجود داشته باشد. در این بین در همه جوامع، کسانی هستند که در جریان اصلی قرار دارند و در حاشیه، حاشیه‌نشین هستند. در مدل فرهنگ‌سازی بری و سام^۱ (۱۹۹۷)، کسانی که مایل به حفظ هویت فرهنگی خود و به دنبال تعامل با جامعه غالب نیستند، جهت‌گیری حاشیه‌ای و فاقد "تناسب فرهنگی" دارند (Liu, 2019). البته هنگام توصیف افراد از نظر ویژگی‌های مشترک باید احتیاط کرد. استفاده از برچسب‌ها، خطر کلیشه‌سازی و تعمیم بیش از حد و تفاوت‌های فردی قابل توجهی را می‌توان در تجربه درد و مدیریت آن در گروه افرادی که به اشتراک می‌گذارند، مشاهده نمود. از مهم‌ترین این مشکلات که طی چند سده اخیر مورد بحث جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و سیاستمداران و اخیراً برنامه‌ریزان شهری است، موضوع فقر شهری به‌عنوان یک مسئله پیچیده اجتماعی، اقتصادی و فضایی است که طی دهه‌های گذشته یک تغییر اساسی در مطالعات مربوط به آن رخ داده است که این امر عمدتاً به ضعف رویکردهای پیشین در شناخت، بررسی و تبیین فقر مربوط می‌شود (موحد و ولی نوری، ۱۳۹۵: ۳). حاشیه‌ای شدن یا به حاشیه رانده شدن^۲ که در بسیاری از متون تخصصی، به‌عنوان حاشیه‌نشینی از آن یاد شده، یکی از بحث‌های با پیشینه در حوزه فقر شهری و سکونتگاه‌های خودانگیخته شهری محسوب می‌شود (Davis, 2011: 444). حاشیه‌نشینی در دوره کلاسیک، منطقه‌ای بدنام و متمایز از سایر مناطق بود. در این دوره، اصلاح‌گرایان بیشتر با چارلز

1. Barry & Sam

2. Marginalization

بوت^۱ موافق بودند که مناطق حاشیه‌نشین را معجونی از خانه‌های فرسوده، با تراکم زیاد جمعیتی، فقر و ضعف تعریف می‌نمود (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳). همچنین در دیکشنری آکسفورد (۲۰۲۰) در تعریف حاشیه‌نشینی چنین آمده؛ «فرآیند یا نتیجه ایجاد احساس در کسی در این خصوص که مهم نیستند و نمی‌توانند در تصمیمات یا رویدادها تأثیر بگذارند، قرار دادن کسی در موقعیتی که در آن هیچ قدرتی ندارند» (Bullock, 2020).

بافت‌های فرسوده شهری جز غیرقابل انکاری از شهرهای امروز ما هستند که با سه ویژگی مشخص؛ مصالح نامرغوب، بدون سند بودن، تصرفی بودن زمین در اشکال مختلف تجلی پیدا می‌کند و در هر جامعه‌ای براساس مقتضیات تاریخی، سطح توسعه و شرایط اقتصادی و اجتماعی ویژه خود طیفی از انواع سرپناه را در بر می‌گیرد که یک سوی آن از نظر چارلز آبرامز^۲ خیابان خواجه قرار دارند و در قطب مقابل خانه‌های مستقل لیکن کوچک، روستاگونه و فاقد تسهیلات و تأسیسات شهری مناسب و بهداشتی جای می‌گیرند. خیابان خواجه در واقع از ساکنین مسکن خلق الساعه‌اند بدون آنکه مسکنی در کار باشد (پیران، ۱۳۶۶: ۳۳)؛ بنابراین چاره‌جویی برای وضعیت آن‌ها، یکی از حیاتی‌ترین مسئولیت‌های مدیران شهری می‌باشد. به عقیده استریپر و مانوئل^۳ (۲۰۰۶) "ترجیحات مسکونی بخش مهمی در درک رشد شهری هستند"، زیرا ترجیحات، تحولاتی را که ما آن‌ها را احیا می‌نامیم ایجاد می‌کند. ترجیحات مسکونی مجموعه‌ای پیچیده و گاه ناسازگار از عوامل مربوط به خانه (تصدی، قیمت، اندازه و غیره)، مکان (و تمام ساختارهای اجتماعی و نمادین آن)، امکانات رفاهی (مدارس، بلکه نحوه تعامل اجتماعی با دوستان و خانواده) و نحوه دسترسی به آن است. برای هر فرد این ترجیحات متفاوت و همچنین در طول زمان تغییر می‌کند (Booi & Boterman, 2020).

براساس تحلیلی که توسط بروکینگز منتشر شد، تا سال ۲۰۱۴، شهرها ۱,۰۲ درصد رشد نموده درحالی‌که حومه شهر ۰,۹۹ درصد افزایش یافته است و تا سال ۲۰۱۶، رشد

-
1. Charles Booth
 2. Charles Abrams
 3. Stripper & Manuel

شهرها به ۰٫۸۲ درصد کاهش درحالی که حومه شهرها ۰٫۸۹ درصد کاهش یافته است؛ که به وضوح نمایانگر چالش برانگیز ساختن زندگی توسط نابرابری سیستمی می‌باشد (Crai et al, 2021). اساس نابرابری ممکن است جنسیت، نژاد، سن، گرایش جنسی، وضعیت اقتصادی اجتماعی، توانایی و/ یا هر عامل دیگری باشد که منجر به حاشیه‌نشینی می‌شود. اهمیت چنین مطالعاتی توسط سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است، جایی که حداقل دو هدف توسعه پایدار (برابری جنسیتی و کاهش نابرابری‌ها) موضوع ویژه می‌باشد (Welles, 2021). این بافت‌ها (سکونتگاه‌های غیررسمی) در ایران، زمانی با ساختار و کارکردی متناسب با نیازهای ساکنین خود از پویایی و صلابت خاصی برخوردار بوده‌اند، لیکن با افزایش ناگهانی و تغییرات سریع به‌ویژه مهاجرت روستائیان و اقشار کم‌درآمد به دنبال ارزان‌ترین نقطه شهری برای سکونت تبدیل شده‌اند. در نتیجه وضعیت جدید اقتصادی، اجتماعی و ذهنی ساکنین جدید در کنار بی‌توجهی مدیریت شهری در ارائه تسهیلات، جهت احیای این بافت‌ها، سبب فرسودگی بیشتر آن‌ها شده است (خزایی و رضویان، ۱۳۹۸: ۱۰۲).

با وجود این مسائل هم‌اکنون شاهد شکل‌گیری هر چه بیشتر این مناطق در شهرهای بزرگ کشور از جمله استان خوزستان هستیم. مساحت بافت ناکارآمد شهری در خوزستان ۱۳ هزار و ۴۱۷ هکتار و مربوط به ۲۹ شهر در استان است. بیش از ۷ هزار و ۷۰۳ هکتار سکونتگاه غیررسمی در استان وجود دارد، همچنین تعداد محلات مصوب بافت ناکارآمد شهری ۲۴۵ محله است^۱. ابرتکانه‌های تحول‌آفرین حاشیه‌نشینی در استان خوزستان به جهت اصلاحات ارضی در جلگه کشاورزی خوزستان و بی‌نصیب ماندن خوش‌نشینان در تقسیم مجدد زمین، وقوع جنگ ۸ ساله عراق و ایران (خالی شدن شهرهای جنوبی استان همچون خرمشهر، سوسنگرد، هویزه و ...)، تخریب زیرساخت‌های شهری در خرمشهر و آبادان، محاصره و بمباران دشت آزادگان و دیگر شهرها، انهدام صنایعی چون پالایشگاه نفت و تأسیسات مشابه و ازکارافتادن صنایع و مراکز بزرگ اشتغال و تأسیسات بندری خرمشهر، خشکسالی‌های دامنه‌دار و هجوم متعدد ریزگردها، احداث سدهای بزرگ و تشکیل

دریاچه‌ها و به زیرآب رفتن روستاها و یا از بین رفتن راه‌های مواصلاتی و در محاصره قرار گرفتن بسیاری از روستاها و در نتیجه تشکیل دریاچه سدها، تنها بخشی از ریشه‌های گسترش حاشیه‌نشینی در شهرهای خوزستان از جمله هویزه می‌باشد.

شهرستان هویزه قبل از انقلاب، روستایی کوچک با جمعیتی محدود بوده است. این شهرستان به دلیل واقع شدن در منطقه کاملاً صنعتی رشد خود را در قبل از انقلاب شروع کرد و با مساحتی حدود ۵۳۳۰ کیلومترمربع در غرب استان خوزستان و جمعیتی با حدود ۴۵ هزارنفر جمعیت به عنوان اولین شهر نفت خیز و تنها شهری که در دوران جنگ تحمیلی برای دفاع از خاک ایران با خاک و خون یکسان شد و آوازه مردم جنگ‌زده‌اش در تمام دنیا پیچید. درحالی‌که امروز ۸۰ درصد مردم این شهرستان نفت‌خیز و مرزنشین به جهت فقر مالی و ضعف زیرساخت‌های منطقه مجبور به ترک این مناطق شده‌اند. شهرستان هویزه در غرب خوزستان با دارا بودن نرخ ۳۵ درصدی بیکاری جوانان، عدم به‌کارگیری نیروهای بومی منطقه در بحث سایت‌های نفتی در منطقه هویزه و دشت آزادگان، بدبینی مردم مرزنشین هویزه و دشت آزادگان نسبت به مسئولین، بالا بودن تنش آبی طبق اعلام سازمان آب و برق خوزستان میزان آورد آب سد کرخه نسبت به یک دوره گذشته (۱۳۹۹) خود ۴۵ درصد کاهش یافته و در شهرستان‌های هویزه، سوسنگرد و دشت آزادگان شوری آب بالا رفته و رودخانه‌ها خشک شده‌اند و این مسئله باعث شده است که مردم منطقه با از دست دادن زمین‌های کشاورزی‌شان که شرکت نفت با قیمت ارزانی آن‌ها را خریداری کرد دچار فقر شوند^۱. علاوه بر این بسیاری از روستاهای اطراف استان خوزستان به دلیل پیشروی و افزایش جمعیت به شهر اهواز ملحق شدند که امروزه باز از این محلات تحت عنوان حاشیه یاد می‌شود تا جایی که ۴۰۰ هزار نفر از جمعیت اهواز در خانه‌های فاقد سند ساکن می‌باشند. از طرفی، روان شدن فاضلاب به سمت کارون و ایجاد بوی بد در اطراف رودخانه و مشکلات تنفسی و بویایی از دیگر مشکلات این کلان‌شهر به شمار می‌آید که با اندک نگاه توسعه‌گرایانه و تحول خواهانه قابلیت تبدیل شدن به یکی از شهرهای پررونق و مدرن حتی در سطح خاورمیانه را دارد؛ بنابراین، توجه به چنین پدیده‌ای (اسکان

غیررسمی) در استان خوزستان، با در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی و حتی سیاسی، ضرورت اساسی داشته چراکه توسعه و گسترش چنین سکونتگاه‌هایی روز به روز در استان خوزستان، دومین کلان‌شهری که پس از استان خراسان رضوی در رتبه دوم تعداد حاشیه‌نشین‌ها بیش از ۸۵۰ هزار نفر را افزون می‌سازد. با نگاهی به مطالعات مرتبط با موضوع مشخص شده است، پژوهشی که به تحلیل فضایی آسیب‌پذیری‌های مناطق حاشیه براساس تجربه حاشیه‌نشینان صورت گرفته باشد پرداخت نشده است. بدین جهت پژوهش حاضر در خصوص درک و تفسیر کنشگران حاشیه‌نشین و همچنین کنش - تعامل آن‌ها در زندگی روزمره با هدف فهم فرایند فضایی برساخت حاشیه‌نشینان صورت پذیرفته است. در این راستا سؤالات اصلی پژوهش به شرح زیر است:

۱. بسترهای اصلی تأثیرگذار بر شکل‌گیری و گسترش حاشیه‌نشینی در شهرستان هویزه. ۲. بررسی وضعیت اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی ساکنین ۳. بررسی مشکلات و پیامدهای حاشیه‌نشینی در سطح شهرستان هویزه ۴. کمک به تدوین راهبردها و راهکارهای عملی جهت بهبود کیفیت زندگی ساکنین این سکونتگاه‌ها به عنوان بخش از جامعه شهری.

ملاحظات نظری

در پارادایم کیفی، دانش امری برساخته انسانی است که بر مبنای واقعیت جهانی ساخته می‌شود که فرد تجربه کرده است و در آن زندگی می‌کند. به نظریه‌ها نگاه ابزاری می‌شود؛ به این معنا که نظریه‌ها به نسبت میزان فایده و کاربرد فعلی‌شان، درجه صدق و حقیقت متفاوتی دارند. با توجه به روش کیفی (نظریه زمینه‌ای) و کمی (پیمایش) پژوهش، در مرحله کیفی، نظریه‌ها می‌توانند به منزله راهنمای عمومی پژوهش مدنظر قرار گیرند. در مطالعه حاشیه‌نشینی و به روش نظریه داده‌بنیاد و متأثر از مقولات ظهور یافته نظریه‌های حاشیه‌نشینی به دو دسته عمده برای تبیین مفاهیم و مقولات ظهور یافته مورد استفاده قرار می‌گیرند. نگاهی گذرا به چارچوب‌های نظری مسکن شهری، کم‌وبیش مشابه چارچوب‌های نظری موجود در جامعه‌شناسی شهر و شهرنشینی است. در جامعه‌شناسی شهر

و شهرنشینی تاکنون به هفت دیدگاه اشاره کرده است که عبارتند از: دیدگاه بوم‌شناختی یا اکولوژیک، دیدگاه جمعیت‌شناختی یا دموگرافیک، دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی یا سوپسیکولوژیک، دیدگاه فن‌شناختی یا تکنولوژیک، دیدگاه تاریخ‌نگارانه یا هیستوریوگرافیک، دیدگاه وبری یا تأکید بر قدرت، مدیریت و سازمان اجتماعی و بالاخره دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا. البته با تحولات دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی باید از دو دیدگاه دیگر نیز یاد کرد که عبارتند از: دیدگاه مصرف و دیدگاه شهر جهانی آن‌هم در قالب نظری فرا ساختارگرایی. چه در تمامی این دیدگاه‌ها مشترک است، تمرکز تجزیه و تحلیل‌ها بر فعالیت‌های یکایک خانوارها است. الگوهای دستیابی به مسکن نیز در این چارچوب مورد بررسی قرار می‌گیرند. در مقابل، اندیشمندی دیگر به جای تأکید بر انتخاب و قدرت خرید خانوارها از تضادهای اجتماعی بر سر زمین یاد کرده و استدلال نموده‌اند که دگرگونی‌های حادث‌شده در عرصه‌ی کاربری زمین، محصول تصمیم‌های منفرد خانوارها در بازار آزاد و بدون ساخت زمین و مسکن نیست، بلکه فضای به‌ویژه فضای شهری و شکل‌گیری تقاضا برای مسکن و عرضه‌ی مسکن در جوی آکنده از بازی قدرت، رقابت، تضاد و درگیری رخ می‌دهد. بی‌توجهی به ساخت قدرت نهادهای دخیل و کنشگران در حال رقابت و ستیز، امکان تحلیل واقعی مسئله‌ی مسکن را از میان می‌برد (پیران، ۱۳۸۰: ۳۵). بنیاد چنین نگرشی به آثار ماکس وبر^۱ بازمی‌گردد. یکی از دل‌مشغولی‌های ماکس وبر، توزیع فرصت‌های زندگی بود. برای او فرصت‌های زندگی عبارتند از عرضه‌ی کالای مصرفی، شرایط زندگی بیرونی و تجارب زندگی خصوصی. وبر توزیع فرصت‌های زندگی و الگوهای قشربندی اجتماعی را ناشی از توزیع ناهمگون و نامتعادل قدرت در جامعه می‌داند و عقیده دارد که قدرت ناهمگون و قشربندی اجتماعی در سه عرصه قابل رؤیت است. عرصه‌ی سیاسی، عرصه‌ی اجتماعی و عرصه‌ی اقتصادی. طبقه‌ی اجتماعی برای وبر به معنای افرادی است که انتخاب‌های زندگی و فرصت‌های یکسانی برای کسب درآمد دارند. الگوهای مصرف افراد هم طبقه نیز به سمت یکسانی میل می‌کند. همین امر اسکان خانوارها را به شدت طبقاتی می‌کند و بر پایه‌ی توان خانوار بخش‌های هر شهر را به

گروهی اختصاص می‌دهد. باز هم براساس توان مالی خانوارها، فضای زیستی، سرانه اشغال سرپناه، پایداری و مقاومت سرپناه و حتی عناصر زیبایی‌شناختی فضای مسکونی و ده‌ها مقوله‌ی دیگر تعیین می‌شود و ساختار مناطق مسکونی در شهرها شکل می‌گیرد. با ایجاد سکونتگاه‌های غیررسمی یا اجتماعات آلونکی، تهیدستان غیر متشکل شهری و لایه‌های زیرین گروه‌هایی که مسامحتاً طبقه‌ی متوسط خوانده می‌شوند، سر پناهی به کف می‌آورند و به مهم‌ترین آرزوی خود، یعنی حذف هزینه مسکن از سبد هزینه‌های خانوار دست می‌یابند که سبب وضعیت بهتر تغذیه و پوشاک بخشی از آنان می‌شود. با پیدایش چنین سکونتگاه‌هایی، سایر تهیدستان شهری که قادر به تملک سرپناه نیستند، مکان‌های اجاره‌ای به دست می‌آورند و به‌رحال شب در زیر سقفی بر بالین می‌نهند (پیران، ۱۳۷۴).

همچنین در دیدگاه مارکسیستی، فقر شدید شهری از جمله فقدان مالکیت مسکن یکی از پارامترهای باز تولید طبقه‌ی کارگر و سایر تهیدستان شهری است. بیکاری و فقر، سازنده‌ی سپاه ذخیره کار است که خود عامل تعیین دستمزد در سطحی بخور و نمیر تلقی می‌شود. البته مبارزات طبقه‌ی کارگر و ضرورت بنیادین بالا رفتن سطح زندگی آحاد مردم از جمله کارگران و تهیدستان شهری برای حل مشکل مازاد تولید که در اثر تولید انبوه پدید می‌آید از یکسو و پیدایش دولت‌های رفاه گستر تا قبل از فرایند جهانی شدن و مسئله انطباق ساختاری که از جمله در بحث سیاست تعدیل منعکس شده است، از سوی دیگر، سبب تعیین حداقل دستمزد شده و زندگی کارگران و تهیدستان شهری را در جوامع پیشرفته ارتقاء بخشیده است. اما انبوه تهیدستان شهری به‌ویژه در جهان سوم که در حیطه عمل اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی کارگران متشکل قرار نمی‌گیرند، مجبورند به هر نوع شغلی برای سیر کردن شکم و خود و خانواده‌ی خود تن در دهند. تهیدستان شهری غیرمتشکل جهان سوم پدیدآورندگان صدها سکونتگاه غیر رسمی‌اند (پیران، ۱۳۸۰: ۳۶)

در واقع حاشیه‌نشینی به عنوان یک مسئله اجتماعی پیچیده در بستری از تعاملات که متأثر از عوامل بسیاری است شکل می‌گیرد. زولو^۱ و همکارانش (۲۰۱۱) بر این باورند که مناطق حاشیه‌نشین برخلاف عقاید و باورهای مردم، به شدت پویا و ناهمگن است. به همین

دلیل، باید با توجه خاستگاه هر منطقه و شرایط ویژه آن موضوع مورد بررسی قرار گیرد. زینگ^۱ (۲۰۱۷) عوامل سیاسی و فلاکو و اسلیوزاس^۲ (۲۰۱۱)، شاخص‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی، روی^۳ و همکاران (۲۰۱۴) پویایی رشد جمعیت، توپوگرافی محلی و سیاست‌های دولت را مهم‌ترین عامل در گسترش این پدیده بیان می‌کند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۰۶).

در دسته دوم، جنبش‌های شهری فعال در سراسر جهان می‌کوشند تا انواع شهرنشینی سودمحور و سوداگرانه کنونی را با نوعی شهرگرایی دموکراتیک شهروندمدار و پایدار جایگزین سازند، با شهرهایی متعلق به شهروندانی که مشارکت اثربخش در امور مدیریت شهری، حق به شهر، مسکن و حق انتخاب دارند، و در برابر بی‌عدالتی شهری آسیب‌رسانی به محیط‌زیست بی‌تفاوت نیستند (برنر، ۱۳۹۶: ۵).

نظریه شهری انتقادی، تحلیلی است که از تجربه عمل در ایجاد امکانات بالقوه جامعه شهری موجود نشئت می‌گیرد، و هدف نظریه انتقادی نشان دادن و شکل بخشیدن به مسیر آینده است (برنر، ۱۳۹۶: ۱۹). پیتز مارکوزه^۴ سه‌گام اساسی در نظریه شهری انتقادی را افشا، پیشنهاد و سیاسی کردن می‌داند. افشا کردن در معنای تحلیل ریشه‌های مسئله و شفاف کردن و انتقال این تحلیل به آن‌هایی که به این تحلیل نیاز دارند و می‌توانند آن را به کار گیرند. پیشنهاد کردن به معنای کار کردن و ارائه پیشنهادها و استراتژی‌های واقعی برای دستیابی به نتایج مطلوب است. نظریه شهری انتقادی باید کمک کند تا افشا ژرف‌تر شود و نیاز به یک پاسخ سیاسی را نشان دهد. سیاسی کردن نیز به معنای وضوح بخشیدن به استلزام‌های کنش سیاسی و پشتیبانی از سازمان‌یابی حول پیشنهادها از طریق تأثیرگذاری بر کنش است (محمدی و اداک، ۱۳۹۸: ۱۶۱). لوفور به حاشیه رانده شدن را به مفهوم حق به شهر پیوند داده، محله‌های فقیرنشین در حاشیه شهرها، به‌عنوان محصول اولیه سرمایه‌داری محسوب می‌گردد (Lefebvre, 1991: 316). این طبقه که از امکانات شهری، محروم

1. Zhang

2. Flake and Sliosis

3. Roy et al

4. Marcuse

گشته‌اند، به تدریج از مرکز به حاشیه شهرها رانده شده و بدین ترتیب، از حق شهری بی‌بهره می‌مانند. نظریه فضای یگانه‌ای را عرضه می‌کند که امر فیزیکی، ذهنی و اجتماعی را به هم پیوند می‌زند. او در طرح خود، تحلیل جغرافیایی، تاریخی و نشانه‌شناسانه را در هم می‌آمیزد و بر این موضوع تمرکز می‌کند که جوامع گوناگون چگونه در طول زمان از فضایی خاص شده در شکل و نیز در معنا برخوردار می‌شوند. به راین اساس مسئله فقر شهری یکی از مشکلات اصلی در بافت‌های فرسوده می‌باشد که در ابعاد مختلفی چون عدم امنیت در مالکیت و محرومیت از قابلیت‌ها ظهور یافته است.

مطالعات خیرالدین و صلاحی مقدم (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان "توانمندسازی اسکان‌های غیررسمی با گذر از رویکرد نیازمنا به دارایی مبنای (مورد کاوی محله فرحزاد تهران)" به این نتیجه رسیدند که وجود شبکه‌های نسبتاً قدرتمند غیررسمی بین نهادهای مردمی فعال، نهادهای مذهبی و ساکنان و قومیت‌ها، سرمایه اجتماعی بالا و رودرره فرحزاد و سرمایه‌های کالبدی محله از دارایی‌های این محدوده هستند. متناسب با دارایی‌های مطالعه و احصا شده، برنامه‌های اقدام اولویت‌دار و نهادهای مجری مشخص شده‌اند تا با اجرای برنامه‌ها بهبود شرایط زیست و معیشت و کاهش آسیب‌های اجتماعی در محله فرحزاد محقق گردد. همچنین در پژوهش رسولی و احدنژاد (۱۴۰۰) با عنوان "تحلیل اهمیت عملکرد عوامل کلیدی موفقیت در بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر ذینفعان (مطالعه موردی: شهر زنجان)" ۱۲ شاخص در بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهر نقش کلیدی داشته‌اند، در این میان نهادهای مدیریت شهری به عنوان اصلی‌ترین بازیگر دارای بیشترین قدرت تأثیرگذاری، رقابت‌پذیری، بسیج‌کننده در بازآفرینی بوده است که با اجماع دیگر بازیگران بیشترین تأکید را بر مشارکت شهروندان در بازآفرینی داشته است. در نهایت نتایج حاصل IPA خواستار اولویت اول و تمرکز بر افزایش مشارکت شهروندان، جذابیت آثار تاریخی و بهبود خدمات رفاهی-اقامتی بوده است و همچنین بر ادامه فرایندهای کاهش آلودگی، بهبود درآمدها، بهبود امکانات تفریحی، سازگاری کاربری‌ها، بهبود حمل‌ونقل عمومی، بهبود تعلق خاطر و برآورده سازی نیازهای اساسی تأکید داشته است.

میرحسینی و امان پور (۱۳۹۹) در ارتباط با "تأثیرات فقر شهری بر ساختار فضایی-کالبدی" احساس ناامنی اجتماعی، دسترسی نداشتن به امکانات و فرصت‌های اجتماعی، ثبات نداشتن، رضایت از همسایگان غیربومی در ناحیه، همسطح بودن همسایگان از نظر اقتصادی و درآمدی از مؤلفه‌های کالبدی بافت فرسوده شهر می‌باشد.

موحد و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "ریشه‌یابی علت حاشیه‌نشینی در روستای ملاشیه اهواز"، جنگ و تأثیراتی که این پدیده بر ساکنان مناطق جنگ‌زده داشته را مهم‌ترین عامل شکل‌گیری و گسترش حاشیه‌نشینی در روستای ملاشیه مشخص نموده است.

محمدی و اداک (۱۳۹۸) در تحقیق خود با عنوان "حاشیه‌نشینان شهری و تجربه رنج اجتماعی" نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دلزدگی از محله، رهاشدگی، بی‌اعتمادی، احساس استیصال از جمله مضامین مرتبط با رنج اجتماعی در میدان مطالعه است. همچنین شیوه تصاحب املاک، عملکرد سازمان‌های خدماتی شهری و ناتوانی خود حاشیه‌نشینان نابیر محوری‌ترین عوامل مرتبط با سلسله مراتب سلطه است.

موریس^۱ (۲۰۱۹)، در تحقیقی با عنوان "آیا شهرها یا حومه شهرها کیفیت بالاتری از زندگی را ارائه می‌دهند؟ مکان درون‌شهری، الگوهای فعالیت، دسترسی و رفاه ذهنی" نشان داد منتقدان، حومه‌های آمریکایی را به‌عنوان مکانی کسل‌کننده، از نظر زیبایی‌ناخوشایند، انزوای اجتماعی، ناسالم، از نظر محیطی ناسالم و عدم دسترسی به محیط‌زیست به‌سخره می‌گیرند.

چراغی سوهی^۲ (۲۰۲۰) بحران‌های بین‌المللی و ملی غالباً نابرابری‌هایی را در بازار کار برجسته می‌کند که افراد نامتعارفی را از زمینه‌های حاشیه‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهد. همه‌گیری کووید-۱۹ و تغییرات ناشی از آن در جامعه به دلیل رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی، نابرابری در دسترسی به کار مناسب و تجربیات تبعیض را نشان داده است و در نتیجه بسیاری از جمعیت آسیب‌پذیر در ایالات متحده تأثیر بسیار شدیدتری بر اقتصاد و

1. Moris

2. Sasman

کار داشته‌اند. در نهایت، تعارض نقش و استرس برای زنانی که کار اضافی بدون دستمزد را مدیریت می‌کنند، از جمله وظایف مراقبت، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ساسمن^۱ و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه "بررسی چگونگی تأثیر برداشت افراد از حاشیه‌نشینی سیاسی، فضایی و اقتصادی نمایندگی آن‌ها در رابطه با مدیریت پسماند محققان بر جامعه‌ای حاشیه‌ای" نشان داد که اکثر اعضای جامعه از شیوه‌های دفع زباله خود ناراضی هستند، اما این به حاشیه‌راندن طولانی مدت باعث می‌شد احساس ناتوانی در ایجاد تغییر در فرد داشته باشند مرحله. مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که تغییر باید در سطح جامعه آغاز و اجرا شود با حمایت بازیگران سطح نهادی، یعنی دولت شهرداری است.

گومز^۲ و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان "تبعیض، خشونت و شفا در جوامع حاشیه‌نشین با در نظر گرفتن راه‌های درمان" افراد و جوامعی که خود را در حاشیه جامعه اصلی می‌بینند، توسط سیستم‌ها، نهادها و سیاست‌های ظالمانه و تبعیض‌آمیز قرار داده شده‌اند. انواع مختلف تبعیض (نژادپرستی، تبعیض جنسیتی، اسلام‌هراسی) اغلب با یکدیگر تلاقی می‌کنند، که منجر به شکل‌های مختلف به حاشیه‌راندن و ادامه ستم می‌شود.

سوابق پژوهش نشان می‌دهد، پژوهش‌های انجام‌شده با تأکید به بعد یا ابعاد خاصی از زیست‌پذیری و مؤلفه‌های فضایی خاصی پرداخته و هر کدام از جنبه‌های اقدام به بررسی این مهم پرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه موريس به زیست‌پذیری با شاخص‌های زیبای شناختی و عدم دسترسی به محیط‌زیست، ساسمن برداشت افراد از حاشیه‌نشینی سیاسی، فضایی و اقتصادی نمایندگی آن‌ها در رابطه با مدیریت پسماند، گومز به بررسی نقش سیاست‌ها در تبعیض و به حاشیه‌راندن، محمدی به عملکرد سازمان‌های خدماتی شهری، میرحسینی و امان‌پور و همکارانشان با شاخص‌های آموزشی و جمعیتی و همچنین نحوه تعلق هویتی و مکانی و به بررسی زیست‌پذیری و پایداری شهری پرداخته‌اند. تحقیق حاضر با مدنظر قرار دادن عادت‌واره‌ها و زیست‌گلخانه‌ای حاشیه‌نشینی که خود تجربه حاشیه‌نشینی دارند به دنبال درک و تفسیر کنشگران از برساخت حاشیه‌نشینی با روش نظریه داده‌بنیاد

1. Cheraghi-Sohi

2. Gómez

است. در واقع نوآوری پژوهش مزبور بررسی بافت‌های شهری ناکارآمد (سکونتگاه‌های غیررسمی) و تبیین نگرش، مؤلفه‌ها و شاخص‌های زیست‌پذیری در بافت‌های مزبور می‌باشد.

روش

این پژوهش با توجه به موضوع و ماهیت پژوهش از روش کیفی و استراتژی تئوری داده‌بنیاد^۱ استفاده شده است. این روش بر مبنای فلسفی کنش متقابل نمادین^۲ بنا شده و با هدف ایجاد نظریه جدید یا اصلاح نظریه‌های قبلی با استفاده از داده‌های خام تدوین شده است (کران و پوتنام^۳، ۲۰۰۳). مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر، ۲۰ نفر از حاشیه‌نشینان و مهاجران تازه وارد در شهرستان هویزه هستند که به مدت ۴۰ دقیقه مورد مصاحبه واقع شده‌اند. در این بخش، پژوهش با نمونه‌گیری هدفمند شروع و بر اساس نمونه‌گیری نظری تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. در پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است. برای بررسی اعتبار یافته‌های مصاحبه از تکنیک خودبازبینی محقق و تثلیث داده‌ای استفاده شده است. همچنین با استفاده از رویه‌های ویژه کدگذاری پایایی یافته‌های مصاحبه بررسی گردیده است. با توجه به روشی بودن تحقیق کیفی، سؤالات اختصاصی در حین مصاحبه پدیدار شد. مصاحبه‌ها با هماهنگی قبلی و در محیط خلوت با رعایت حقوق اخلاقی آزمودنی‌ها انجام شد. همچنین، بعد از کسب اجازه از مصاحبه‌شوندگان جریان مصاحبه از طریق ضبط صوت جهت تجزیه و تحلیل ثبت گردید. در این پژوهش، گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام شد و بعد از اتمام مصاحبه‌ها به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، مصاحبه‌های انجام شده با مطلعین کلیدی از نوار پیاده و به روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم و مطابق با روش استراس و کوربین در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی، تحلیل شدند. در مرحله کدگذاری باز متن مصاحبه‌ها خط به خط و کلمه به کلمه بررسی و با استفاده از عبارت

1. Grounded Theory
2. Symbolic Interaction
3. Krahn & Putnam

کلیدی موجود در متن یا استنباط شده توسط پژوهشگران کدگذاری گردید. در مرحله کدگذاری محوری، کدهای مشابه از نظر ماهیت و معنا در یک طبقه قرار گرفتند. طبقات و کدهای هر مصاحبه با مصاحبه بعدی مقایسه شد تا خواص و روابط مشترک بین آنها شناسایی شوند. سپس طبقات مشابه به لحاظ مفهومی و خصوصیات در هم ادغام گردید و حول محور مشترکی قرار گرفته و طبقات وسیع‌تری را تشکیل داده‌اند و در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی با تمرکز بیشتر بر روی طبقات (مقولات) ارتباط بین طبقات و زیر طبقات بررسی شده و طبقه اصلی ایجاد می‌شود.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

کد	جنسیت	سن	منطقه	وضعیت تأهل	تحصیلات	کد	جنسیت	سن	منطقه	وضعیت تأهل	تحصیلات
۱	مرد	۵۳	بنی‌نعامه	متاهل	بی‌سواد	۱۱	زن	۲۶	رفیع	متاهل	دیپلم
۲	مرد	۱۸	بنی‌نعامه	متاهل	بی‌سواد	۱۲	مرد	۲۹	معرض	متاهل	ابتدایی
۳	مرد	۳۳	بنی‌نعامه	متاهل	بی‌سواد	۱۳	مرد	۲۴	معرض	متاهل	بی‌سواد
۴	زن	۲۲	بنی‌نعامه	متاهل	سیکل	۱۴	زن	۶۲	معرض	متاهل	بی‌سواد
۵	زن	۲۴	رفیع	مجرد	دیپلم	۱۵	زن	۵۴	معرض	مجرد	بی‌سواد
۶	زن	۴۰	رفیع	متاهل	بی‌سواد	۱۶	مرد	۷۲	بیت کوار	متاهل	بی‌سواد
۷	مرد	۲۵	رفیع	متاهل	ابتدایی	۱۷	مرد	۳۲	بیت کوار	متاهل	بی‌سواد
۸	مرد	۶۵	رفیع	متاهل	ابتدایی	۱۸	مرد	۳۰	بیت کوار	متاهل	لیسانس
۹	مرد	۲۵	رفیع	متاهل	بی‌سواد	۱۹	مرد	۱۸	بیت کوار	مجرد	دیپلم
۱۰	مرد	۳۲	رفیع	متاهل	لیسانس	۲۰	زن	۵۱	بیت کوار	متاهل	بی‌سواد

یافته‌های تحقیق

در این بخش نتیجه تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی با مشارکت‌کنندگان آورده شده است. برای افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد یافته‌های تحقیق و همچنین کاهش شائبه‌ی تفسیرهای شخصی به برخی از نقل و قول‌های مشارکت‌کنندگان استناد شده است.

۱. زمینه‌ها و شرایط علی وقوع واقعه

مراد از زمینه‌ها در این پژوهش همان بافتی است که پدیده مورد بررسی در آن به وقوع پیوسته است. این بافت شامل چند سال قبل از وقوع پدیده می‌باشد. اگرچه همه شرایط مورد نظر رابطه علی مستقیم با وقوع پدیده مورد نظر نداشته‌اند و اگرچه به عنوان شروط کافی نبوده‌اند، اما شروط لازم برای وقوع پدیده مورد نظر هستند. در ادامه توضیحات هر یک از مقولات فرعی و اصلی مربوط به شرایط براساس تفسیر مشارکت‌کنندگان ارائه می‌شود:

تحلیل مصاحبه‌های عمیق کیفی و استخراج مفاهیم اولیه و مقوله‌بندی آن‌ها نشان می‌دهد، "فضای بازنمایی مردمی از سرمایه و سلطه ارگان‌های دولتی" یکی از مقولات اصلی این پژوهش است که در بردارنده‌ی مقوله فرعی "پرداخت انتقادی تاریخی به فضای تولیدشده" است؛ که در ادامه بدان پرداخته شده است.

۱-۱. پرداخت انتقادی تاریخی به فضای تولیدشده

در مصاحبه‌هایی که با ساکنین محله‌ها و کسبه مناطق مجاور صورت گرفت در توصیف‌هایشان از محل و نوع واکنش‌هایشان به سؤالاتی که مربوط به سکونت در این مناطق بود نوعی ارزیابی و پیش‌داوری‌هایی منفی نهفته بود. طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان ناتوانی نسبی دولت در پاسخ به ملت را با ویژگی‌ها و بسترهای محیطی آشکار می‌کند. در ذیل به برخی از مضامین مورد اشاره مشارکت‌کنندگان اشاره خواهیم نمود. طبق نظر لوفور به راین اساس، فضای نامساعد زندگی و مقایسه زیست بوم امروز با بازگشت به عادت واره گذشته در حیطه فضای بازنمایی مردم قرار

می‌گیرد؛ زیرا بخشی از تجربه‌ها از زندگی در فضایی است که کنترل چندانی بر تولید و نگهداری و تغییر آن ندارند.

حمید (۵۳ ساله) که در دل جریان‌های زیست روزمره زندگی او به وجود آمده، او را به تفکر در مورد این مسئله واداشته است که بگوید: "حکومت اسلامی شروع بدبختی‌های ما بود، حالا باید بشینیم افسوس رفتن شاه را بخوریم اینها دنبال بیرون کردن عرب‌ها هستند، مقصر مردم‌اند آرزو داشتیم که هیچ موقع انقلاب تحقق پیدا نمی‌کرد از این حکومت متنفرم چون همه چیزش ظاهریه دیوانه نبودیم انقلاب کردیم".

۲-۱. تجربه مستقیم جنگ:

زمان وقوع جریان‌های مهاجرت در کلان‌شهرهای ایران به طور عام و در استن خوزستان به صورت خاص در یک برهه زمانی اتفاق افتاده و ریشه‌یابی این جریانات دلایل مشترکی را بازگو می‌سازد که از مهم‌ترین آن‌ها بحث اکتشاف نفت و پیدایش شهرهای نفتی، اصلاحات ارضی وقوع انقلاب و جنگ تحمیلی است. طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان بخش عمده این مردم در گذشته در زمره کشاورزان و تولیدکنندگان قرار داشتند و اکنون به جمعیت مصرف‌کننده و در حاشیه شهر تبدیل شدند.

حمید (۶۵ ساله) تجربه خویش را در این باره بیان می‌کند: "جنگ باعث ویرانی خونه‌ها مون شد بعدم جنگ‌زده خطابمون کردن توانایی بازسازی خانه و زندگیمون رو نداشتیم. خونه‌های کلنگی ساختیم دولتیم آزمون حمایت نمی‌کنه اصلاً بعد از جنگ روزبه روز فقیرتر شدیم".

۳-۱. بسترهای ذهنی کنشگرانه از فضای تولیدشده

واژه فضای تولیدشده یا عادت‌واره ایجادشده از برچسب قومی و وجود نوعی جدایی‌گزینی فضایی و وجود نوعی قلمرو مجزا و تفکیک‌شده از متن شهری که عمدتاً فارس‌ها به «عرب» نسبت می‌دهند. طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان، نگرش‌های منفی اهالی محلات مجاور به محله‌ی عرب‌ها از یک سو و فقدان روابط اجتماعی با افراد صاحب

پایگاه اجتماعی بالا و قوی بودن هویت قومی در ساکنین از سوی دیگر، نشان‌دهنده‌ی جدا افتادگی جامعه‌شناختی و نه صرفاً مکانی و فضایی اهالی محله عرب‌ها از فرآیندها و محیط شهری است. ویژگی‌هایی که زیمل برای غریبه برمی‌شمرد هماهنگ و منطبق با حاشیه نشینان این منطقه است. افراد عمدتاً روستایی و عشایری که به شهر آمده و عضوی از ساکنین شهری شده‌اند اما در عین زیستن درون شهر (مجاورت مکانی) بیرون از فرهنگ شهری و فرآیندهای اجتماعی آن قرار دارند و خرده‌فرهنگ آنان گاهی برچسب «عقب‌افتاده» و حتی در مواردی «منحرف» می‌خورد.

سجاد (۳۲ ساله) چنین روایت می‌کند: "دولت تنفر داره از ما، این‌ها میخوان

عرب‌ها رو به فنا بدن، به هر شیوه‌ای میخوان ما را از شهر دور کنند".

۴-۱. ضرورت تغییر فضا به تغییر اجتماعی

این مقوله به مانع بزرگ‌تر و قدرتری اشاره دارد که به نهادهای اصلی اجتماعی مربوط می‌باشد، یعنی مالکیت خصوصی بر زمین و منابع که نفی مالکیت هر گونه راه‌حل عمومی اجتماعی است. به باور مشارکت‌کنندگان پیش‌تناسب فرض وجود هر سازمان فرافردی که برخاسته از ضرورت تغییر فضا به تغییر اجتماعی باشد، تسلط سامانی اجتماعی است که زمین و منابع تولید فضا را در اختیار نهادی عمومی قرار دهد که بر مبنای مصالح جمعی و با نظارت همگانی عمل کند. این نیز مستلزم بیرون کشیدن زمین‌ها و منابع از دست زمین‌داران و افرادی است که آن‌ها را در اختیار خود نگه داشته‌اند. بدون شک تحقق این امر یک دگرگونی بزرگ می‌طلبد که چندان هم تابع اختیار حاشیه‌نشینان منطقه هویزه نخواهد بود.

محمد (۳۲ ساله) در این رابطه می‌گوید: "دولت خرابکاری می‌کند نه آبادسازی،

شهرداری میاد به زور زمین‌های ما رو می‌گیره چرا نمیزارن راحت زندگی کنیم او

ادامه می‌دهد؛ مردم خیلی فقیرن در حالی که ما در منطقه‌ای زندگی می‌کنیم که

نفت وجود دارد. پس چرا به منطقه رسیدگی نمی‌کنند". بر طبق مضامین

مشارکت‌کنندگان، مقررات کاربری اراضی که باید به ساماندهی و تنظیم روابط

جمعیت با فضا منجر شود، عاملی برای دوگانگی متن-حاشیه و به وجود آمدن

برندگان و بازندگان در فضاهای شهری - منطقه‌ای شده است؛ به عبارت دیگر، کارکردهایی که درون این مقررات نهفته است موجب گشته که تمایل به سمت رویکردهای مکمل و حتی جایگزین که کارکردهای منفی مقررات شهری را جبران کنند بیشتر شود.

۱-۵. بی‌توجهی به عدالت فضایی

یکی از دلایل بروز مسائل ناشی از شهرنشینی و شهرگرایی کم‌توجهی یا بی‌توجهی به آثار عدالت فضایی در کشورها است. مناطق فقیر شهری در ابعاد اجتماعی - اقتصادی و کالبدی دارای شاخص‌هایی هستند که این مناطق را نسبت با سایر مناطق شهری دچار رکود و انزوا می‌سازد و به‌نوعی به شکل سکونتگاه‌های غیر رسمی نمود عینی می‌یابد (قاسمی سیانی و همکاران، ۱۳۹۵). مصاحبه‌شوندگان تصریح نموده‌اند در هویزه نابرابری در سطوح توسعه در بین بخش‌های شهرستان به دلیل توزیع ناهمگون شاخص‌های زیرساختی می‌باشد. سهیلا (۲۶ ساله) با بیان تجارب خویش در این زمینه می‌گوید: "هنوز امکانات ضروری زندگی را نداریم زندگی ما در حد سیر شده. هیچ خدماتی در منطقه وجود ندارد ما هم فقط به خاطر علاقه به زندگی در روستا اینجا موندیم".

۱-۶. فقدان مهارت و حمایت

حاصل شرایطی است که از زندگی در حاشیه‌نشینی به دست می‌آید و بر فرد تحمیل می‌شود؛ و توان و فرصت به او داده نمی‌شود که مهارت‌های خود را در این مواقع افزایش دهد.

بخشی از تجربه رضا (۲۹ ساله) چنین است: "از دولت فقط اسمش هست یعنی اعتراضات ما رو نمیبینه اصلاً تحویلمون نمی‌گیرن مسئولان به فکر نیستند. بعد اسمش رو میزارن عدم مطالبگی مردم". امیر (۵۱ ساله) در این زمینه می‌گوید: "دولت به ما مجوز سرمایه‌گذاری نمی‌ده چون سرمایه و سواد درستی نداریم خوب نباید آزمون حمایت کنه کمکون کنه تا زندگیمون رو جمع‌وجور کنیم

زندگی‌های ما زیر صفره، بازم تحمل می‌کنیم چون به زندگی عشایری علاقه داریم".

همچنان که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد برخی از مشارکت‌کنندگان در مواجهه به این واکنش و تکانه‌ها، با هدف مدیریت اوضاع و انطباق با شرایط جدید استراتژی‌های متعددی را بکار گرفته‌اند که در بخش کنش - تعامل‌ها به آن اشاره خواهد شد.

جدول ۲. مفاهیم و مقولات مرتبط با شرایط علی منجر به حاشیه‌نشینی

مفاهیم	مقولات محوری	مقوله اصلی
شروع بدبختی با حکومت اسلامی، افسوس رفتن شاه، بدبختی و جنگ، خونه‌های کلکی، عدم حمایت از سوی دولت، ظاهری بودن حکومت اسلامی، تنفر از حکومت، آرزوی عدم تحقق انقلاب، عدم تحقق وعده‌های دولت، عدم تفاوت بین مردم در زمان شاه، فقیرشان بعد از جنگ	پرداخت انتقادی تاریخی به فضای تولیدشده	فضای بازنمایی مردمی از سرمایه و سلطه ارگان‌های دولتی
مشکلات اجتماعی - اقتصادی، عدم رسیدگی به مناطق کم برخوردار، ناتوانی دولت در پاسخ به مسائل فرهنگی، فقر معیشتی، شرایط ناگوار اقتصادی، بیکاری، محرومیت	حس رهاشدگی	
جنگ و مهاجرت، ویرانی خانه‌ها، جنگ‌زده خطاب کردن، عدم توانایی بازسازی مناطق	تجربه مستقیم جنگ	
سرکوب عرب‌ها، تنفر از عرب‌ها، سیاسی کردن مباحث و اعتراضات، برکناری اصل عامیت در نظام اجتماعی	بسترهای ذهنی کنشگرانه از فضای تولیدشده	
تغییر کاربری اراضی کشاورزی، تغییر نقش از تولیدکننده به مصرف‌کننده، نفت‌خیز بودن مناطق، خرید زمین‌ها توسطها دولت، شوره‌زار بودن زمین کشاورزی، زورگیری زمین‌ها توسط شهرداری‌ها، مهاجرت از روستاها جهت دسترسی به خدمات، بی‌توجهی به مناطق، دیوار کشیدن دور شهرها، اصلاحات ارضی	ضرورت تغییر فضا به تغییر اجتماعی	

مفاهیم	مقولات محوری	مقاله اصلی
عدم امکانات آموزشی، عدم امنیت، ویرانی‌های اطراف زندگی، مسافت بین محل زندگی و محل تحصیل، نبود کار، بالا بودن هزینه زندگی، نداشتن امکانات اولیه زندگی	بی‌توجهی به عدالت فضایی	
خرابکاری و نه آبادسازی دولت، عدم مجوز دولت جهت ساخت‌وساز، سرمایه نداشتن، عدم تخصص	فقدان حمایت و مهارت	

در کنار شرایط علی، شرایط مداخله‌ای همان مکانیسم‌های تسهیل هستند که راهبردهای فرد براساس آن‌ها شکل می‌گیرد. در ادامه برخی از مفاهیم و مصداق‌های برساخت فرهنگ حاشیه‌نشینی که برخی محققان اجتماعی از جمله الستر^۱ (۱۹۹۰)، ایجاد این نوع برساخت فرهنگی را در سطح خرد نظام اجتماعی، مستلزم همفکری، درک مشترک و نیازهای عام انسانی داشته و تأمین این نیازها نیز تنها با تشریک مساعی فضاسازی امکان‌پذیر می‌باشد. تخیل بازنمایی، فضایی است که هم ناشی از رسوبات تاریخی در درون محیط روزمره است و هم از عناصر یوتوپایی که فرد را به سمت مفهوم تازه سوق می‌دهد.

۱-۷ برساخت فرهنگ حاشیه‌نشینی

۱-۷-۱ سبک زندگی حاشیه‌نشینی

به‌عنوان اولین مقوله‌ی فرعی «برساخت فرهنگ حاشیه‌نشینی» است که در این تحقیق در فرایند مقوله‌سازی به‌دست آمده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که زندگی روزمره حاشیه‌نشینان در بسیاری مواقع از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی محل زادگاه از یک سو و هنجارها و ارزش‌های جامعه‌ی میزبان از سوی دیگر تأثیر می‌پذیرد. از این رو «زیست گلخانه‌ای» مفهومی است که در زندگی روزمره‌ی آن‌ها تولید شده که مصداق‌ها و معیارهای ویژه‌ی نظیر خرده فرهنگ‌های خاص و حس رهاشدگی دارد.

۲-۷-۱ وجود خرده فرهنگ‌های خاص در این مناطق

این مقوله در ارتباط با خصایص کنش روستایی که سنخیتی با زیست شهر ندارد و به شاکله عقیدتی زیست شهری مبدل نمی‌شود ارتباط دارد. در مناطق حاشیه‌نشین خرده فرهنگ‌های خاص مناطق کوچک هر یک از خانوارها که قبلاً ساکن آن بودند مشاهده می‌شود و اجتماعاتی^۱ در دل جامعه^۲ رخ عیان می‌کند. این فرهنگ‌ها بسیار دیر جذب فرهنگ‌های شهری می‌شوند. طبق نظر مارشال کلینار^۳، حاشیه، فرهنگ مخصوص به خود را دارد و این فرهنگ یک شیوه زندگی است. نوع معیشت رایج در حاشیه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و معمولاً دارای فرهنگ مخصوص به خود است.

رضا (۲۴ ساله) تجربه خود را در این رابطه چنین بیان می‌کند: "تو این مناطق یک سری چیزها خیلی مهمه به مردم که در شهرها اصلاً توجه نمیشه. اینجا غیرت مردها هنوز مثل قدیم مردسالاری وجود داره. وفاداری به زندگی طایفه‌ای خیلی مهمه. احترام گذاشتن به شیوخ، لوتی‌گری، میانجی‌گری شیوخ. خوب کجا اینها در شهر وجود دارن".

۳-۷-۱ پذیرفتن و عادی شدن زندگی حاشیه‌ای

مشارکت‌کنندگان پژوهش بر این باورند عادی شدن حاشیه‌نشینی یکی از مهم‌ترین شرایط اثرگذار بر بازنمایی مردمی از زیست لاکچری-فقیرانه و بازگشت به عادت واره است. آنان اذعان دارند افراد زندگی در این مناطق را به مرور زمان یاد می‌گیرند و برایشان عادی می‌شود. اعتقاد به اینکه مسائل به وسیله سرنوشت تعیین شده‌اند و آنچه هست از پیش تعیین شده است و تلاش در جهت دادن یا ایجاد تغییر در آن‌ها نقشی ندارد. بر طبق نظریه فقر چرخه‌ای، تداوم نسلی فقر و گرفتاری فقرا در دور تسلسلی از آن باعث شکل‌گیری الگویی از رفتار و نگرش می‌شود که تغییر آن به آسانی ممکن نیست (فرهنگ لغت هاتچیسون، ۲۰۱۵). چرخه فقر اغلب به دام یا تله توسعه معروف است (والنتین،^۱ ۱۹۶۸).

1. Communities
2. Society
3. Klinar
1. Valentine

یکی از جنبه‌های بسیار جالب زیست روزمره حاشیه نشینان، ارتباطات و تعاملات گسترده آن‌ها با همسایگان و سایر افراد منطقه است که اغلب متأثر از فضا و محل سکونت و تجربه‌های زیست مشترک و مواردی از این قبیل است. شبکه درهم تنیده تعاملات و اطلاع‌رسانی‌ها در اغلب روایت‌های مشارکت‌کنندگان مشاهده می‌شود.

حسین (۱۸ ساله) می‌گوید: "حاشیه‌نشینی تقدیرمون. پدران ما هم این‌جوری زندگی کردن، صدای حیوانات دنیای ماست خو گرفتیم با این نحوه زندگی".

۴-۷-۱ عاملیت انسانی و ماندن در چرخه محرومیت

یکی دیگر از مقولات فرعی که از دل مضامین مشارکت‌کنندگان استخراج شده است تحمل و انطباق با محرومیت است که در نتیجه عادی شدن شرایط زندگی و وابستگی محلی و تداوم فقر به وجود آمده است و منجر به پذیرش شرایط زندگی توسط افراد شده است. باورها نظیر تقدیرگرایی و دم غنیمت شماری، برخی هنجارها و رفتارها نظیر گرایش به لذات آنی، بی‌برنامگی در مصرف و عدم تمایل به پس‌انداز موجب می‌شود که شرایط فقر فقرا بازتولید شود. در چنین شرایطی، حتی کمک‌های اقتصادی به فقرا نیز موجب برون‌رفت آنان از تله فقر نخواهد شد؛ زیرا شخصیت شکل گرفته تحت فرهنگ فقر باعث می‌شود تا آنان به‌جای برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کمک‌های اقتصادی در جهت ایجاد یک وضعیت اقتصادی پایدار، به هزینه کرد کمک‌های اقتصادی در مصارف آنی و لذت‌های کوتاه‌مدت پردازند (بخشی، ۱۳۹۳).

صدیقه (۳۳ ساله) تجارب خود را چنین بیان می‌کند: "گران بودن هزینه در شهر. مردم اینجا راضی هستن به زندگی در این محیط دوست دارن از شهر دور باشن شهرها ناامن هستن".

۵-۷-۱ تعاملات و ارتقاء هویت حاشیه

یکی از جنبه‌های جالب توجه زیست حاشیه‌نشینی پیوند و ارتباطات اجتماعی بین ساکنان عمدتاً پیوندهای خانوادگی، خویشاوندی و تفکیک نکردن فضای خصوصی و همسایگی

مسالمت‌آمیز است. طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان، ارتباطات و تعاملات گسترده آن‌ها اغلب متأثر از فضای محل سکونت، احساس تنهایی، تجربه زیسته مشترک، عدم قدرت و چانه‌زنی با دولت، دوری از اقوام، تأمین امنیت و مواردی نظیر این قرار دارد.

حمید (۶۵ ساله) تجربه خود را چنین بیان می‌کند: "مردها اینجا خیلی غیرتی هستند سرمایه اجتماعی مردمی بالا است. همه به هم احترام می‌زارن همسایه‌ها از فامیل به آدم نزدیک‌ترین درک و شعورشون از شهری‌ها خیلی بالاتره". او ادامه می‌دهد؛ انسانیت و همدلی و همرنگی تو این مناطق خیلی زیاده همسایه حاضر به را همسایه‌اش تو این دور و زومونه جا بده".

۶-۷-۱ وابستگی به علقه‌ها و پیوندها

از جمله عوامل مهم و اثرگذار بر دغدغه کیفیت زیست مشارکت‌کنندگان وابستگی به علقه‌ها و پیوندها است که از دل مفاهیمی چون تقدیرگرایی، ازدواج درون قومی و محل، پیوند با شبکه‌های محلی، ترک نکردن خانواده، احترام به شیوخ و ... استخراج شده است. مشارکت‌کنندگان بر این باورند سال‌های زیادی در این منطقه زندگی می‌کنند و با وجود اینکه اغلب تحصیل کرده‌ها در شهر مشغول به کار و تحصیل هستند اما همچنان در این منطقه در کنار خانواده‌ها زندگی می‌کنند.

حمیده (۲۴ ساله) می‌گوید: "حاضر نیستیم اقوامون رو ترک کنیم اینجا هم با هم فامیلن. همین باعث علاقه به زندگی در این مناطق میشه فاداری به زندگی طایفه‌ای عادت کردن به شرایط موجود". سنا (۶۲ ساله) چنین روایت می‌کند: "زمین‌های آب و اجدادی ما اینجا هستن چطو دل بکنیم از اینجا بریم اصلاً خانواده هامون اجازه نمیدن مردم اینجا با طبیعت خو گرفتن راضی به سکونت در این منطقه هستند جایی که متعلق به خودمونه، مردم شهر غریبه هستند".

جدول ۳. مفاهیم و مقولات مرتبط با چالش‌های مقابله با حاشیه‌نشینی

مفاهیم	مقولات محوری	مقوله اصلی
فقدان شغل رسمی، فقدان یا کم بودن امکانات آموزشی و رفاهی و پایین بودن سطح سواد و تحصیلات، هویت قومی، پابندی به سنت‌ها، فقدان تخصص، بی‌سوادی و کم‌سوادی، درآمد پایین، ضعف در تعلق به هویت شهری، واگرایی شدید نسبت به قوانین شهری، انزوایی، احساس غریبه بودن و بیگانگی، اختلال در هویت، ساخت‌وساز در ابعاد کوچک و غیر استاندارد، عدم سنخیت الگوهای رفتاری با زیست شهری، پایین بودن سطح بهداشت عمومی و سلامتی، پابندی به اصول لوتی‌گری ولاتی	سبک زندگی حاشیه‌نشینی	برساخت فرهنگ حاشیه‌نشینی
ساختن با خاک و خانه‌های متروکه، گران بودن هزینه زندگی در شهر، انس با امکانات موجود، ساختن و سوختن، پذیرش شرایط موجود	پذیرفتن و عادی شدن زندگی حاشیه‌ای	
نداشتن پذیرش سرنوشت، حاشیه‌نشینی تقدیری، ساختن شدن برای این زندگی، شانس	تقدیرگرای و موروثی بودن	
انس با زندگی محلی، عدم اجازه خانواده، دل بستن به شرایط موجود، دور بودن از شلوغی‌ها، عادت کردن به شرایط موجود، عدم مطالبه‌گری مردم، سیر شدن شکم، قانع بودن به داشته‌ها، حرمت گذاشتن به شیوخ	وابستگی عاطفی و سازگاری با محیط	
عدم قدرت چانه‌زنی با دولت، عدم انتظار از دولت، مقتدر نبودن، خطرپذیری پایین، بالا بودن هزینه اعتراضات	مدارای نجیبانه با زندگی حاشیه‌ای	
همدلی و همرنگی، احترام به همسایه، غیرتی بودن مردها، بی‌ریا بودن مردم، جان دادن برای یکدیگر، همسایه بهتر از فامیل، دلسوز بودن همسایه‌ها، ندار بودن با همسایه‌ها	تعاملات و ارتقاء هویت حاشیه	
علاقمند بودن به زندگی در روستا، وفاداری به زندگی طایفه‌ای، غریبه بودن شهری‌ها، تعلق به محیط، زمین‌های آباد و اجدادی، خو گرفتن با طبیعت زندگی، بالا بودن درک و شعور نسبت به شهرها، حفظ سنن و علائق فرهنگی، زنده‌بودن فرهنگ جوانمردی، نگه‌داشتن فرزندان در منطقه	وابستگی محلی به علقه‌ها و پیوندها	

۲. استراتژی‌ها یا کنش - تعامل‌ها

استراتژی‌ها یا واکنش‌های چالش‌گونه به زیست لاکچری - فقیرانه و بازگشت به عادت واره حاشیه‌نشینان اشاره دارد.

۲-۱ تکنیک خودحمایتی

نشان دهنده استراتژی کنش - تعامل مردم در مواجهه با پیش شرط‌های اجتماعی و روان‌شناختی است و تفاوت‌های شناختی، شخصیتی و مادی (اقتصادی) به همراه محیط‌های اجتماعی از قبیل نهادهای اجتماعی، اعتقادات و ارزش‌ها در بروز این استراتژی مؤثر است. مشارکت‌کنندگان بر این باورند جامعه ما به دلیل ویژگی‌های خاص (مذهبی، ملی و شعائری) دارای پتانسیل بیشتری در زمینه همیاری و کمک به هم‌نوع بوده که به صورت سازمان‌یافته یا نیمه سازمان‌یافته و گاه در قالب تشکل‌های محلی در حمایت از هم‌نوعان نقش ایفا کرده است (شکوری، ۱۳۸۲).

حمید تجربه خود را در این رابطه چنین می‌گوید: "اینجا مردم خودشون سعی می‌کنند از خودشون حمایت کنند در برابر ناامنی‌ها در برابر بی‌عدالتی‌ها، هورالعظیم رفاه ما است. اینجا مردم دیگه با پلیس کاری ندارند هر مشکلی که پیش میاد میریم به شیخ‌های طوایف و خودمون می‌تونیم مشکلاتمون رو برطرف کنیم چون دولت تا الان وعده‌های ما رو عملی نکرده پس انگار کاری با ما نداره".

۲-۲ تقابل، تعارض و مقایسه

یکی دیگر از استراتژی‌های کنش - تعامل است که در نتیجه شرایط پیش آمده در روستا از جمله رنج و ناامنی زندگی در این مناطق به وجود آمده است. مشارکت‌کنندگان با به کارگیری آن سعی بر حفظ خود از برچسب سیاسی و یا منحرفین دارند. طبق مدل آیزن و فیش بان^۱ (۱۹۷۵) رفتارها در پی زنجیره‌ای از عوامل به وجود می‌آیند و حلقه ماقبل بروز رفتار، قصد و نیت برای انجام آن است. نیت تابعی از گرایش به سوی رفتار و هنجارهای ذهنی می‌باشد. مطابق با این نظریه، رفتار افراد مبتنی بر دلایلی است که آن‌ها برای نتایج اعمال خود دارند و در نتیجه آن‌ها به انتخاب منطقی دست می‌زنند.

ایمان (۲۴ ساله) چنین روایت می‌کند: "اعتراضات ما بی‌فایده است اعتراض نکنیم بهتره جوانمون رو به سختی بزرگ کردیم با بدبخت و نداری حالا به جرم نداری آگه صدامون دربیاد هم انگ سیاسی بودن میزنن بمون هیچی نگیم بهتره".

۲-۳ حاشیه‌نشین شدن حاشیه‌نشینان

این وضعیت اشاره دارد به حاشیه‌نشینانی که به واسطه مشکلات متعدد که مهم‌ترین آن مسئله اقتصادی و تأمین هزینه‌های مسکن است، توانایی ادامه سکونت در قسمت حاشیه‌ای شهر را ندارند و باز هم از مناطق حاشیه‌ای شهر عقب‌نشینی می‌کنند.

حسین (۵۳ ساله) چنین روایت می‌کند: "خیلی از مردم این منطقه قبلاً کشاورزی می‌کردن وضعشون خوب بود الان با شوره شدن زمین و کم آبی دیگه بیکار شدن خیلی‌ها روی این زمین‌ها کار می‌کردن الان دیگه درآمدی ندارند اینا تو خونه‌های اجاره‌ای زندگی می‌کردن حالا دیگه درآمد و محصولی برای فروش ندارن مجبورن همین خونه‌های کلنگی رو هم تخلیه کنند و برن تو روستاهای دورافتاده‌تر زندگی کنن. پس صد رحمت به وضع الان ما. این‌ها چی به گن".

۲-۴. احساس استیصال در تغییر وضعیت

این نوع استیصال به وضعیتی اشاره دارد که حاشیه‌نشینان با پذیرش موقعیت خود، هویت بسته و جدا افتاده خود را باز تولید می‌کنند.

سنا (۶۲ ساله) می‌گوید: "گله‌ای از دولت نداریم توان دولت همینه کمیته امداد و بهزیستی، یارانه دادن همین‌ها در وسعشه ساکت بشیم بهتره. بی پولی، بی خانگی و ناوانی در مهاجرت باعث شده که به همین وضعیت راضی باشیم چی تو دست ماست سیل، گرد و خاک، بیکاری، شوره شدن زمین‌های کشاورزی، بی آبی کدوم مشکل رو تونستیم حل کنیم انگار همه خوابن هرکسی به فکر منفعت خودشه راضی هستیم به محیطی که پناهگاه ستم‌های ما شدن".

۲-۵ فرار از چرخه فقر

راهبرد کنش - تعامل حاشیه‌نشینان برای فرار از زیست لاکچری - فقیرانه که با سبک زندگی نوین آن‌ها سازگار نیست و بازگشت به عادت واره می‌باشد. مصاحبه‌های عمیق انجام شده در محله حاشیه‌نشینان هویزه (رفیع، معرض، بیت کوار و بنی‌نعامه) نشان داد که میان محل نسل اول و نسل‌هایی در ده‌های بعدی مهاجرین از فرهنگ مادری وجود دارد.

نسل‌های اول هنوز خواهان پابندی به ارزش و قواعد اخلاقی و شیوه‌ی زندگی قبلی هستند. نسل دوم در حالی بینایی قرار دارد و اگرچه شیوه‌ی جدید زندگی شهری را می‌پذیرند اما به لحاظ ارزش‌های فرهنگی هنوز ارزش‌های پیشین را والاتر و مرجح‌تر می‌دانند؛ اما نسل سوم مهاجرین که هم‌اکنون عمدتاً نوجوان و جوان هستند خواهان ادغام کامل در فرآیندهای شهری می‌باشند.

مریم (۱۸ ساله) تجربه خود را در این مورد چنین بیان می‌کند: " کوتاهی دولت باعث شده که جوان‌ترها دعا می‌کنن که با از ازدواج از این مناطق فرار کنند آگه تا حالا هم موندن خیلی‌هایی از ونایی که ازدواج کردن به خاطر حرمت نگه داشتن شیخ‌ها هست".

۳. پیامدها

۳-۱ اصول حق به شهر به عنوان حلقه مفقوده

از دیگر پیامدهای کنش - تعامل مشارکت‌کنندگان در ارتباط با پدیده‌ی شکل‌گیری حاشیه‌نشینی در شرایط زنجیره‌ی از فقدان‌های پیش رو می‌باشد. این پیامد به وضعیتی اشاره دارد که بسیاری از مردم مناطق حاشیه‌نشین خود را شهروند درجه دوم احساس می‌کنند و از سوی متن‌نشینان رانده شده‌اند. طبق تفاسیر مشارکت‌کنندگان، وقتی نتوانستیم شرایط زندگی در روستاها و شهرهای را بهبود ببخشیم و تمام امکانات را در شهرهای بزرگ متمرکز کردیم، عملاً شهروند درجه دوم و سوم محسوب می‌شویم. شهروندی که نه کاملاً و مطلقاً بیرون از شهر است و نه کاملاً در زندگی شهری تلفیق شده است. این هویت خود رفتارهای خاصی را ایجاد می‌کند که از برجسته‌ترین آن‌ها فقدان تعلق و اعتماد به شهر و متن‌نشینان است.

سجاد (۳۲ ساله) چنین روایت می‌کند: "زندگی تو شهر سخنه هزینه آب و برق زیاده ما برای شهر ساخته نشدیم همون شهری‌ها هم وضعشون با ما فرق نداره با این گرونی و بدبختی".

۲-۳ تلفیق هراس و روایت

از پیامدهای مهم کنش - تعامل مشارکت‌کنندگان در رابطه با پدیده‌ی حاشیه‌نشینی، تلفیق هراس و روایت است. این یافته یکی از کلیشه‌هایی که به‌صورت جدی در خصوص حاشیه‌نشینی بستری برای انحراف احتساب می‌گردد در این پژوهش رد شده است. به باور مشارکت‌کنندگان هراسی که خواهی نخواهی ذهن مخاطب را به درون خود می‌کشد، هراس‌هایی که در تاروپود وضعیت داستانی نهادینه شده‌اند. این هراس ناشی شرایطی که حاشیه‌نشینان در تعامل خود با سایر افراد مناطق براساس تعاملات تقویت شده است؛ و تبدیل به نوعی هراس شده است.

معصومه (۵۴ ساله) می‌گوید: "حرف‌های شهرهای همجوار اذیتم می‌کنه مثلاً هر جا به خرابکاری میشه میگم آدم‌ها بدبخت و ندارن انگشت اشاره شون همیشه به سمت این منطقه میگن تغییر مذهب میدن به خاطر پول حرف در میارن برامون ما این همه بلایای جنگ را از سر نگذروندیم که حالا دوباره بدبختی بکشیم با این حرف‌ها خودمون دلمون خونه این حرف‌ها چیه. در حالی که ما خودمون چون هم مرز با عراق هستیم خودمون بیتر ناامنی رو تجربه می‌کنیم". (سیمین (۲۵ ساله) می‌گوید: "اینجا زن‌ها اصلاً نمیتونن خودشون تنهایی جایی برن چون بخاطر نزدیکی به عراق خرید و فروش مواد و قاچاق زیاده از اون ور آب میارن بعد میگن مناطق ما بدن ما براشون پوشش هستیم که خرابکاری هاشون معلوم نباشه درسته وضعمون خوب نیست اما ماشالله بچه‌هامون همه رفتن شهر با زحمت خودشون دانشگاه رفتن تحصیل کرده هستن".

جدول ۴. مفاهیم و مقولات مرتبط با استراتژی‌های مقابله با حاشیه‌نشینی و پیامدهای آن

مفاهیم	مقولات محوری	مقولات اصلی
عدم قدرت خرید نیازهای روزانه، نداشتن اجاره بها، عدم برخورداری از حداقل امکانات زندگی، تداوم فقر، محروم ماندن از کمک‌های بیمه‌ای، فقر مکانی و سرپناه، مهاجرت به مکان‌های دورافتاده، نگاه منفی به حاشیه، مهاجرت افراد تأثیرگذار و نخبه فرهنگی-اجتماعی	حاشیه‌نشین شدن حاشیه‌نشینان	
عدم مهارت‌های بالا، جدایی و انحصارطلبی، ناامید و درمانده بودن، بی‌اعتنا بودن، بی‌توجهی به کرامت انسانی، ضعف سرمایه اجتماعی بودن مردم حاشیه‌نشین، احساس شهروند درجه دوم، فقدان تعلق و اعتماد به شهر، جزیره‌ای شدن، ترجیح یک زندگی بسیار پُر حاشیه، عدم تأمین‌های هویتی و پذیرش آن‌ها به عنوان شهروند، ناکامی در رسیدن به متن زندگی، غلبه نگاه‌های ناامیدکننده	اصول حق به شهر به عنوان حلقه مفقوده	تبعات حاشیه‌نشینی
ناامن بودن منطقه، سرقت، بزهکاری، تغییر مذهب دادن، اعتیاد، فحشا، کار کودکان، خشونت، آشوبگری، تلاش برای سرمایه نامشروع، بازنمایی منفی رسانه‌ای، گسترش بخش غیررسمی، عدم به‌کارگیری افراد بومی و مطلع، ثروتمندبودن منطقه و فقر بومیان	تلفیق هراس و روایت	
قانع بودن به توان دولت، راضی بودن از نقش مسکن گونه کمیته امداد، بهزیستی، دریافت کمک یارانه‌ای، دم وجود جایگزین دیگر به جز کمک خود، باور به عدم (توان) سازمان‌های حمایتی فعال در امور حمایتی برای رفع نیازمندی	تکنیک خودحمایتی	
اعتقاد به نبود دولت و قانون در ایران، اعتراض نکردن به شرایط موجود، قبول دولت در حد اسم و نه عمل، سوگیری منفی، خرافه و قالب‌سازی، تخریب و بدبینی، تحویل گرفتن نشدن از سوی دولت	تقابل، تعارض و مقایسه	
راضی بودن از داشته‌ها، هویت‌یابی با پیشوا، ناچار به پذیرش وضعیت موجود، عدم توانایی رویارویی با مسئولین، ساختن و سوختن	احساس استیصال در تغییر وضعیت	واکنش‌های چالش‌گونه
ازدواج و فرار از منطقه، آرزوی زندگی در شهر، فرار از مناطق برجسب خورده، فرار از به‌هم‌ریختگی خانواده، نگرانی‌های کاری و مالی	فرار از چرخه فقر	

معرفی مقوله هسته و مدل پارادیمی

در این پژوهش با انجام مقایسه‌های فراوان و تدقیق در مضامین مصاحبه‌ها، مقوله هسته‌ای به عنوان «زیست لاکچری- فقیرانه و بازگشت به عادت واره» وجه مشترک تمام مقوله‌ها و عامل سهیم در تمام مفاهیم و مقولات، به تدریج ایجاد شد و گویی خود را برای پژوهشگران نمایان نمود. با توجه به تمارض مسئولین و ناتوانی آن‌ها در پاسخ به خواسته‌ها، انتظارات و زنجیره فقدان آگاهی، حمایت‌ها و امکانات که در سبک زندگی حاشیه نشینان نمود یافته است. خشونت ساختاری، یکی از انواع خشونت‌ها در سراسر جهان می‌باشد که به تبعیض‌ها، محرومیت‌های نظام‌مند و ممنوعیت‌های نهادینه‌شده در جامعه اشاره دارد. برخلاف خشونت فیزیکی، خشونت ساختاری در ساختارهای یک جامعه نهفته است و در توزیع نابرابر قدرت، مالکیت منابع و فرصت‌ها نمایان می‌شود به طوری که زاینده‌ی برخی پیامدهای اجتماعی و روانی در سطح جامعه از سوی دیگر راهبردهایی است. راهبردها در بردارنده‌ی فرار از زندگی حاشیه‌نشینی و است. نتیجه اصلی و نهایی این فرآیندها منجر به تشدید و بازتولید شرایط مدارا نجیبانه با فقر در نهایت مقوله هسته نهایی تحقیق تحت عنوان " زیست لاکچری- فقیرانه و بازگشت به عادت واره " می‌باشد که از مدارای نجیبانه، تقدیرگرای و سرخوردگی ایجاد شده است و تبیینی از شهرهای ناهمگون کنونی می‌باشد که به نوعی دوگانه‌ی لاکچری- فقیرانه‌ای هستند که با راندن فقرا به حاشیه، محله‌های فقیرنشین به محله‌های اعیان نشین تبدیل می‌شوند. حاشیه نشینان از منزلت پایین و هویتی که محله‌شان در اذهان شهرنشینان دارند آگاه هستند و از آن رنج می‌برند و در مقابل واکنشی که نشان می‌دهند بازگشت به هویت جمعی و محلی خود و تشدید احساس تعلق و وابستگی به آن است. این نظریه جوهری تأییدی بر سیاست نادیده انگاری یا بی‌تفاوتی می‌باشد که منادیان توسعه برونزا و نظریه پردازان دانشگاهی غرب معتقدند، حلب شهرها، مکان پناه گرفتن مردمی بی‌جا و آواره و رانده شده است که چون خس و خاشاک روان بر سیلاب به همراه سیل مهاجرت از روستاها کنده شده و به جامعه شهری سرریز گشته‌اند، بدون آنکه در زندگی صنعتی مدرن پذیرفته شده باشند. به نظر اینان آلونک نشینی (اسکان

غیررسمی) در اولین دیدگاه، اثری از آثار جنبی گذار جوامع سنتی به جوامع صنعتی و شهری مدرن است. طبعاً چنان گذار پر اهمیت و تاریخ‌سازی را نمی‌توان به دلیل آثار جنبی کم‌ارزشی چون آلونک‌نشینی نفی یا متوقف ساخت. در جریان تحولات شهرهای مغرب زمین چنین پدیده‌ای در محلات فقیرنشین متعلق به سیاهپوستان و یهودیان رخ داده است. از این رو پیدایش و تداوم اسکان غیر رسمی در جوامع جهان سوم نیز طبیعی است؛ بنابراین مقوله هسته‌ای "زیست لاکچری- فقیرانه و بازگشت به عادت واره"، تمارض مسئولین، زنجیره فقدان‌ها از توانایی‌ها، حمایت و مهارت و محرومیت‌ها که به نوعی دربردارنده‌ی تمامی مقولات و مفاهیم به کار گرفته در این پژوهش معرفی می‌شود و با یکدیگر یک مدل پارادیمی شماره ۱ را ترسیم می‌نمایند.



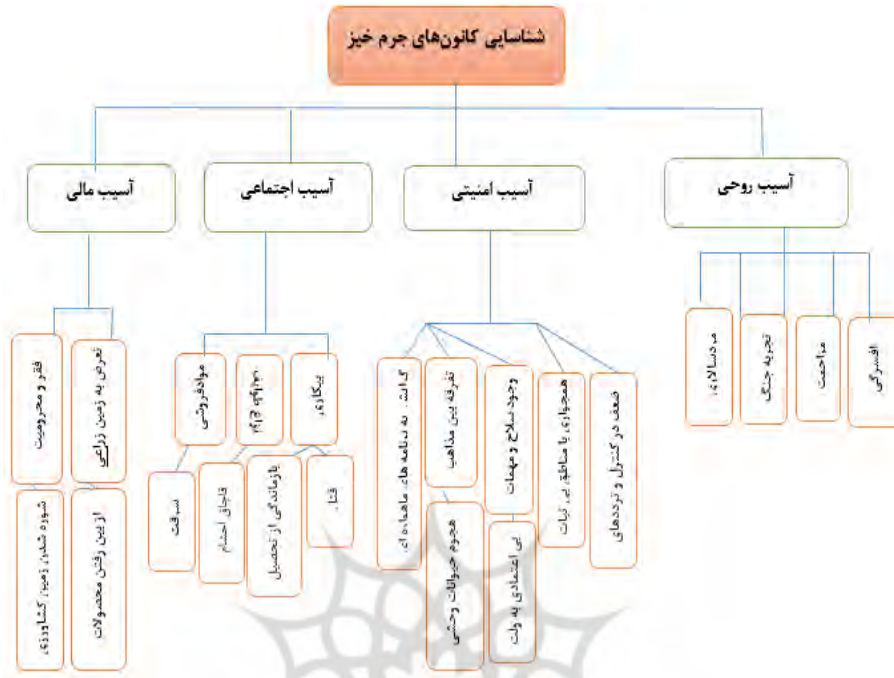


تحلیل سلسله مراتبی

کلارک^۱ کانون جرم خیز را محدوده‌ای می‌داند که نسبت به محدوده‌های دیگر مردم برای درخواست کمک، بیشتر با پلیس تماس می‌گیرند. در این پژوهش با تأکید بر مکان و

1. Clark

بررسی ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی منطقه و رابطه با بروز آسیب‌های حاشیه‌نشینی با استفاده از نرم افزار GIS به شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم خیز در منطقه هویزه پرداخت شده است. در مرحله اول یک ساختار سلسله مراتبی از داده‌ها با توجه به ماهیت موضوع و بافت‌های شهری جهت شناسایی آسیب‌پذیری و محدودیت‌های مداخله و شناسایی نقاط بالقوه برای مداخله در بافت و مکان‌یابی مراکز نظامی و ... چند شاخص روحی، امنیتی، اجتماعی و مالی در ارتباط با ۲۲ متغیر اصلی با استفاده از نمونه‌گیری فضایی (از هر چهارگوشه محله‌های مدنظر بلوک‌هایی مشخص و از هر بلوک خانه‌هایی جهت جمع‌آوری داده انتخاب شده است. در انتخاب بلوک‌ها به پراکندگی فضایی و مناسب بودن توزیع توجه لازم صورت پذیرفته) و جهت ترسیم پهنه‌ها از روش تحلیل داده IDW استفاده شده است. همچنین با بهره‌گیری از مدل AHP و نرم افزار GIS هر یک از معیارها و زیرمعیارها دوبه دو با هم مقایسه شد و نسبت به یکدیگر مورد ارزیابی و امتیازدهی قرار گرفت. همچنین جهت تحلیل داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از نرم افزارهای SPSS و Arc GIS استفاده شده است. بدین منظور ابتدا آمار محدوده استخراج، سپس متغیرها را متناسب با جمعیت هر محله نسبی کرده و تعداد این نقاط جهت پردازش در GIS پایدارسازی گردید و برای هر کدام از نقاط نقشه، متغیرهای اصلی هر کدام از شاخص‌ها با ضریب اهمیت متغیرهایی که از نمودار سلسله مراتبی به دست آمده نقش اصلی هر شاخص به دست آمد. لازم به ذکر است براساس تفاسیر مشارکت‌کنندگان آسیب‌پذیری مناطق متأثر از محدوددهای محیطی و هم‌مرزی با مناطق همجوار (عراق) و نه بافت منطقه بوده است.



شکل ۲. نمودار معیارهای سلسله مراتبی

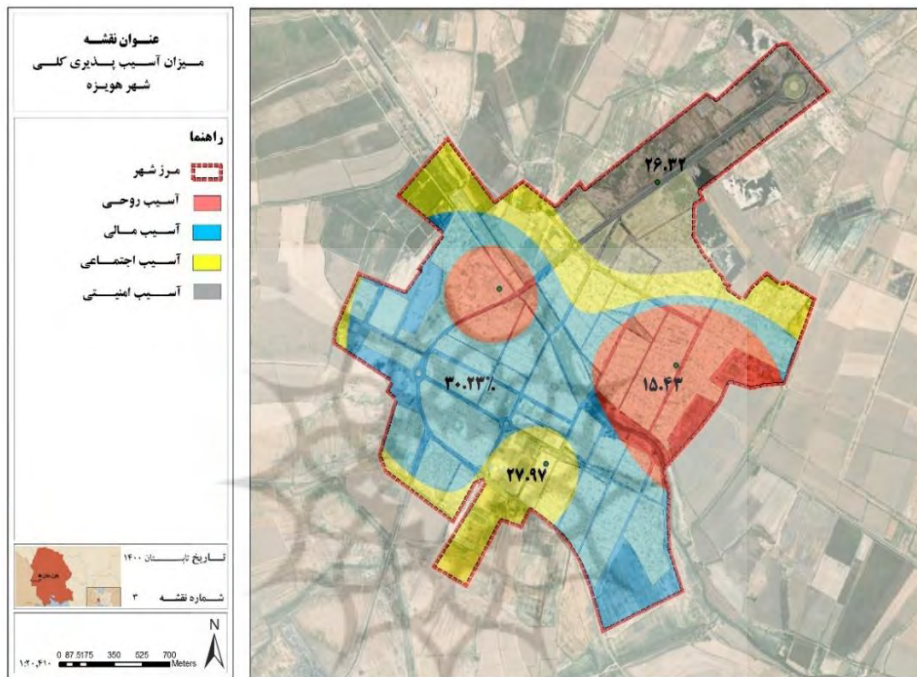
تحلیل فضایی آسیب‌پذیری شهرستان هویزه

همان‌گونه که در جدول (۵) آسیب‌پذیری منطقه هویزه مشاهده می‌شود، حدود ۳۲/۳۰ درصد از محدوده موردبررسی در معرض آسیب‌پذیری مالی خیلی زیاد قرار دارد. همچنین حدود ۱۵/۴۷ درصد از محدوده (مساحت کل روستا ۵۳۱۶۵۱۵) در معرض آسیب‌پذیری روحی کم قرار دارد.

جدول ۵. میزان آسیب‌پذیری منطقه هویزه

هویزه	آسیب روحی	آسیب امنیتی	آسیب اجتماعی	آسیب مالی
زیاد	۵۰/۶۰	۷۶/۰۰	۶۱/۳۰	۸۲/۶۰
خیلی زیاد	۳۲/۰	۸۰/۰۰	۸۲/۶۰	۹۶/۳۰
متوسط	۳۸/۶۰	۶۱/۳۰	۷۴/۶۰	۷۴/۶۰
کم	۲۰/۰۰	۴۹/۳۰	۴۵/۳۰	۴۹/۳۰
خیلی کم	۳۲/۰۰	۲۸/۰۰	۴۹/۳۰	۳۸/۶۰
مجموع	۱۷۳/۲۰	۲۹۴/۶۰	۳۱۳/۱۰	۳۳۸/۴۰

هویزه	آسیب روحی	آسیب امنیتی	آسیب اجتماعی	آسیب مالی
میانگین	۳۴/۶۴	۵۸/۹۲	۶۲/۶۲	۶۷/۶۸
درصد آسیب	۱۵/۴۷	۲۶/۳۲	۲۷/۹۷	۳۰/۲۳
مساحت آسیب	۸۲۲۶۷۵/۲۳	۱۳۹۹۳۰۷/۸۸	۱۴۸۷۱۸۰/۲۳	۱۶۰۷۳۵۱/۶۱

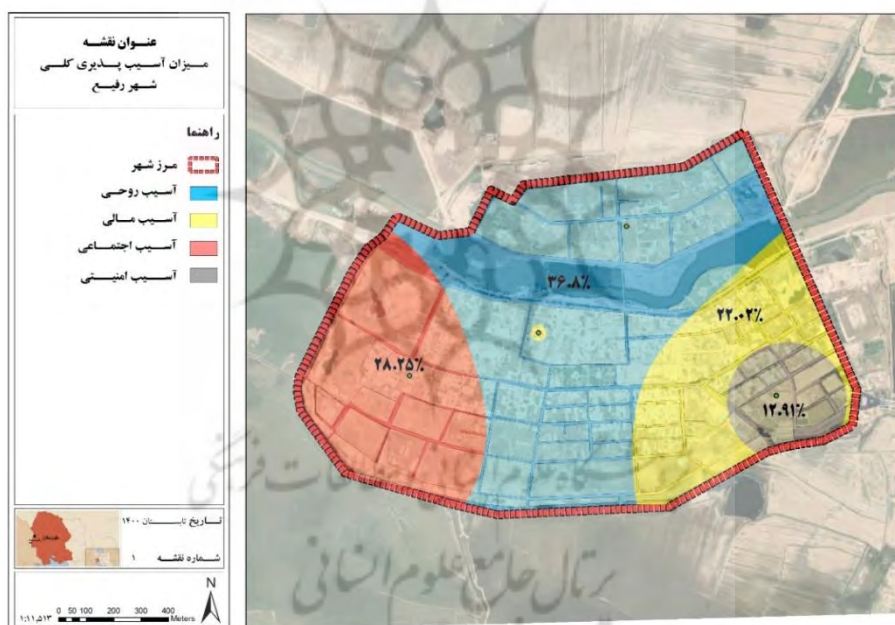


شکل ۳. میزان آسیب‌پذیری کلی شهر هویزه

همان گونه که در جدول (۶) آسیب‌پذیری منطقه رفیع مشاهده می‌شود حدود ۳۶/۸۱ درصد از محدوده مورد بررسی در معرض آسیب‌پذیری روحی خیلی زیاد قرار دارد. همچنین حدود ۱۲/۹۲ درصد از محدوده (مساحت کل منطقه ۱۹۵۴۳۸۰) در معرض آسیب‌پذیری مالی کم قرار دارد.

جدول ۶. میزان آسیب‌پذیری منطقه رفیع

رفیع	آسیب روحی	آسیب امنیتی	آسیب اجتماعی	آسیب مالی
زیاد	۷۳/۳	۱۸/۶	۲۲/۶	۱۷/۳
خیلی زیاد	۹۷/۳/۰	۹۶/۰	۴۶/۶	۲۶/۶
متوسط	۳۰/۶	۳۰/۶	۷۰/۶	۲۵/۳
کم	۶۲/۰	۲۲/۶	۵۶/۰	۲۰/۰
خیلی کم	۴۴/۰	۱۶/۰	۴۰/۰	۱۸/۶
مجموع	۳۰۷/۲	۱۸۳/۸	۲۳۵/۸	۱۰۷/۸
میانگین	۶۱/۴۴	۳۶/۷۶	۴۷/۱۶	۲۱/۵۶
درصد آسیب	۳۶/۸۱	۲۲/۰۲۲۵۳	۲۸/۲۵۳۰۶	۱۲/۹۲
مساحت آسیب	۷۱۹۳۶۹/۲	۴۳۰۴۰۳/۸	۵۵۲۱۷۲۲/۱	۲۵۲۴۳۴/۹



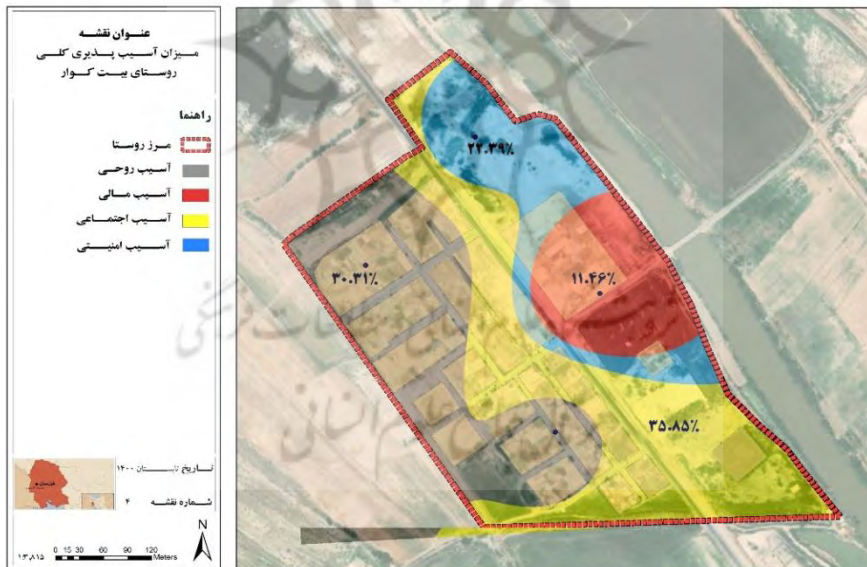
شکل ۴. میزان آسیب‌پذیری کلی شهر رفیع

همان‌گونه که در جدول (۷) آسیب‌پذیری منطقه بیت کوار مشاهده می‌شود حدود ۳۵/۸۵ درصد از محدوده موردبررسی در بیت کوار آسیب‌پذیری اجتماعی خیلی زیاد قرار دارد.

همچنین حدود ۱۱/۴۶ درصد از محدوده (مساحت کل منطقه ۲۲۲۳۳۴) در معرض آسیب‌پذیری مالی کم قرار دارد.

جدول ۷. میزان آسیب‌پذیری منطقه بیت کوار

بیت کوار	آسیب روحی	آسیب امنیتی	آسیب اجتماعی	آسیب مالی
زیاد	۷۳/۳۰	۶۱/۳۰	۷۳/۳۰	۱۷/۳۰
خیلی زیاد	۵۸/۶۰	۴۹/۳۰	۹۲/۰۰	۲۶/۶۰
متوسط	۸۲/۶۰	۴۸/۰۰	۷۴/۶۰	۲۵/۳۰
کم	۴۵/۳۰	۳۲/۰۰	۴۸/۰۰	۲۰/۰۰
خیلی کم	۲۵/۳۰	۲۰/۰۰	۴۹/۳۰	۱۸/۶۰
مجموع	۲۸۵/۱۰	۲۱۰/۶۰	۳۳۷/۲۰	۱۰۷/۸۰
میانگین	۵۷/۰۲	۴۲/۱۲	۶۷/۴۴	۲۱/۵۶
درصد آسیب	۳۰/۳۱	۲۲/۳۹	۳۵/۸۵	۱۱/۴۶
مساحت آسیب	۶۷۳۸۳/۲۵	۴۹۷۷۵/۲۱	۷۹۶۹۷/۰۶	۲۵۴۷۸/۴۸

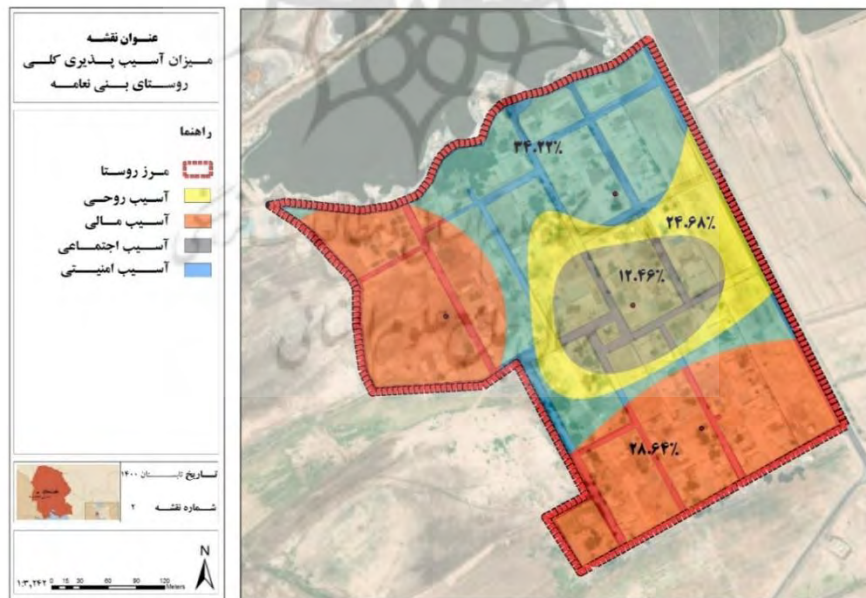


شکل ۵. میزان آسیب‌پذیری کلی شهر کوار

در جدول (۸) آسیب‌پذیری منطقه بنی‌نعامه مشاهده می‌شود حدود ۳۴/۲۲ درصد از محدوده موردبررسی در معرض آسیب‌پذیری امنیتی خیلی زیاد قرار دارد. همچنین حدود ۱۲/۴۶ درصد از محدوده (مساحت کل منطقه ۱۶۱۰۰۳) در معرض آسیب‌پذیری اجتماعی کم قرار دارد.

جدول ۸. میزان آسیب‌پذیری منطقه بنی‌نعامه

بنی‌نعامه	آسیب روحی	آسیب امنیتی	آسیب اجتماعی	آسیب مالی
زیاد	۶۱/۳۰	۵۸/۶۰	۱۶/۰۰	۷۰/۰۰
خیلی زیاد	۷۴/۶۰	۶۰/۰۰	۲۲/۶۰	۳۵/۶۰
متوسط	۳۰/۶۰	۵۷/۰۰	۱۸/۶۰	۶۰/۰۰
کم	۱۳/۳۰	۵۳/۳۰	۲۰/۰۰	۲۲/۶۰
خیلی کم	۱۷/۹۰	۴۵/۳۰	۲۲/۶۰	۴۱/۳۰
مجموع	۱۹۷/۷۰	۲۷۴/۲۰	۹۹/۸۰	۲۲۹/۵۰
میانگین	۳۹/۵۴	۵۴/۸۴	۱۹/۹۶	۴۵/۹۰
درصد آسیب	۲۴/۶۸	۳۴/۲۲	۱۲/۴۶	۲۸/۶۴
مساحت آسیب	۳۹۷۲۸/۴۴	۵۵۱۰۱/۳۵	۲۰۰۵۵/۳۵	۴۶۱۱۸/۷۵

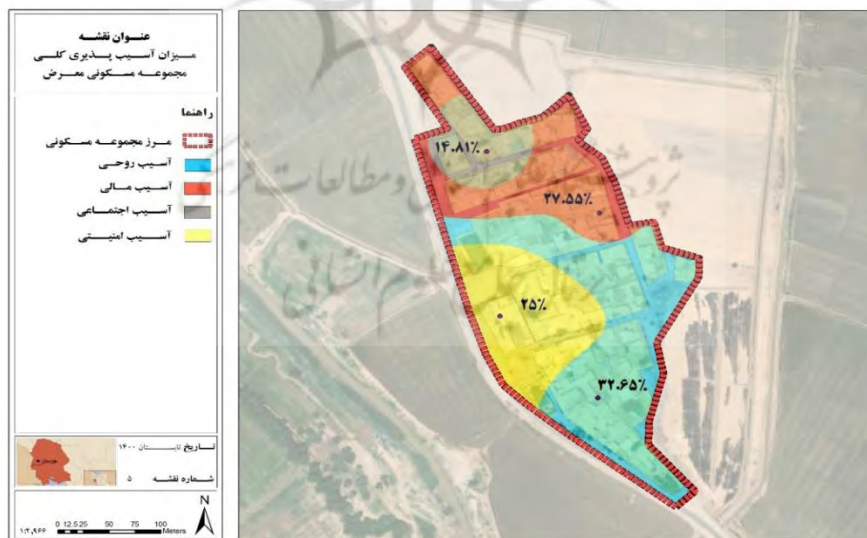


شکل ۶. میزان آسیب‌پذیری کلی شهر بنی‌نعامه

همان‌گونه که در جدول (۹) آسیب‌پذیری منطقه معرض مشاهده می‌شود حدود ۳۲/۶۵ درصد از محدوده موردبررسی در معرض آسیب‌پذیری روحی خیلی زیاد دارد. همچنین حدود ۱۴/۸۱ درصد از محدوده (مساحت کل منطقه ۱۹۵۴۳۸۰) در معرض آسیب‌پذیری اجتماعی کم قرار دارد.

جدول ۹. میزان آسیب‌پذیری منطقه معرض

معرض	آسیب روحی	آسیب امنیتی	آسیب اجتماعی	آسیب مالی
زیاد	۸۰/۰۰	۸۲/۶۰	۳۲/۰۰	۸۲/۶۰
خیلی زیاد	۸۲/۶۰	۹۳/۳۰	۴۸/۰۰	۹۲/۰۰
متوسط	۷۶/۰۰	۴۵/۳۰	۲۰/۰۰	۶۲/۶۰
کم	۵۸/۶۰	۲۵/۳۰	۳۸/۶۰	۴۱/۳۰
خیلی کم	۶۱/۳۰	۲۸/۰۰	۲۴/۰۰	۲۴/۰۰
مجموع	۳۵۸/۵۰	۲۷۴/۵۰	۱۶۲/۶۰	۳۰۲/۵۰
میانگین	۷۱/۷۰	۵۴/۹۰	۳۲/۵۲	۶۰/۵۰
درصد آسیب	۳۲/۶۵	۲۵/۰۰	۱۴/۸۱	۲۷/۵۵
مساحت آسیب	۶۳۸۰۵۲/۲۸	۴۸۸۵۵۰۴۹/۴۹	۲۸۹۳۹۲/۷۵	۵۳۸۳۸۴/۴۲



شکل ۷. میزان آسیب‌پذیری کلی شهر معرض

در مجموع می‌توان محدوده مناطق آسیب‌پذیر را به دو قسمت آسیب‌پذیری با شدت بالا و پایین تقسیم نمود؛

الف) آسیب‌پذیری امنیتی در بنی‌نعامه، آسیب‌پذیری روحی در معرض و رفیع، آسیب‌پذیری اجتماعی در منطقه بیت کوار، آسیب‌پذیری مالی در منطقه هویزه (به جهت هم‌جواری با عراق) با شدت بالا و ب) آسیب‌پذیری مالی در منطقه بیت کوار و رفیع، آسیب‌پذیری اجتماعی در منطقه معرض، بنی‌نعامه و آسیب‌پذیری مالی در بیت کوار با شدت پایین وجود دارد.

نتیجه‌گیری

براساس تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، افراد ساکن در مناطق حاشیه هویزه در محرومیتی به سر می‌برند که ناشی از ساختار خشونت‌آمیز اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. محروم‌سازی افراد از نیازهای مادی اساسی‌شان (سرپناه، پوشاک، خوراک و آب) و از دست رفتن آزادی‌های انسان برای انتخاب باورهای خود و ابراز آن‌ها اشاره دارد؛ گولتانگ خشونت ساختاری را دلیل اصلی تفاوت بین واقعیت بالقوه مردم و شرایط واقعی آن‌ها تعریف کرد. خشونت ساختاری امکان تجزیه و تحلیل دقیق‌تر از نیروهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی را دارد که نابرابری و رنج را شکل می‌دهند. این فرصتی ایجاد می‌کند تا به طور جدی نقش انواع مختلف حاشیه‌سازی - مانند ضعف عاملیت کنشگران، نژادپرستی، توانایی، مخاطب‌شناسی فقر و ... را در ایجاد تجارب زیسته که اساساً کمتر برابر هستند، در نظر گرفته شود. خشونت ساختاری کمک می‌کند تا نیروهای متعدد و اغلب متقاطع که نابرابری را در چندین سطح، چه برای افراد و چه برای جوامع ایجاد شود و این مسائل تبدیل به سبک زندگی عادت‌واره افراد گردد که خصایصی پایدار هستند که در جریان جامعه‌پذیری بر اساس موقعیت و مسیر اجتماعی، آن‌ها را درونی می‌کنند (بوردیو، ۱۳۹۴: ۴۹-۴۷).

نتایج بدست آمده، پندارهایی که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان از شرایط حاشیه‌نشینی، نسبت به زندگی که در سر می‌پرورانده‌اند و شرایطی که بعدها در زندگی واقعی تجربه

کرده‌اند، بسیار متفاوت بوده است. بازتولید احساس اقلیت‌بودگی و شکل‌گیری نوعی صحنه‌گریزی از وضع موجود و دوری از برجسب سیاسی واکنش حاشیه‌نشینان منطقه هویزه با رویارویی با تکثر و تنوع امکانات در بیرون از فضای زیست روزمره خود با قرارگیری در شرایط کنش آگاهانه روابط با دیگری‌ها و فهم و تفسیر زیست جهان خود را بازاندیشی و بازتعریف خود فردی و فضای بازنمایی از سرمایه و سلطه ارگان‌های دولتی می‌کنند که این بازاندیشی با تنش‌های احساسی و ذهنی و فشارهای روحی همراه بوده و نیازمند اتخاذ و تعریف استراتژی‌ها و تاکتیک‌های متفاوتی از مقاومت تا سرسپردگی از جمله تقابل، تعارض و مقایسه، احساس استیصال در تغییر وضعیت و فرار از چرخه محرومیت از سوی مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر برای مدیریت شرایط است. در شرایط عادی فرد مؤلفه‌های ساخت خود را در فرآیند هویت‌یابی ناشی از بافت منطقه، باورهای فرهنگی، پیش‌داشته‌های ذهنی به جهت فقدان آگاهی می‌پندارد تا هنگامی که بازنمایی ذهنی از فضا تولید شده ناشی از گسست شرایط معرفتی و به‌هم‌ریختگی معنای را تجربه و در شرایط آگاهانه‌تری قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی فرد از زیست جهان خود فاصله گرفته و برای مدیریت این شرایط تنش‌زا استراتژی‌های را جهت مدیریت شرایط تعریف می‌نماید. این یافته تأییدی بر نظریه اسکار لویس و نتایج پژوهش‌های میرحسینی (۱۳۹۹)، سوهی (۲۰۱۹)، ساسمن (۲۰۲۱) مبنی بر مجموعه‌ای از باورها، هنجارها و ارزش‌ها در افراد ایجاد می‌شود که سازگاری آنان با چنین شرایطی را افزایش می‌دهد. این امر باعث کاهش آلام و رنج‌های فقرا از قرار گرفتن در این شرایط می‌شود.

از یافته‌های تحقیق می‌توان این گونه استنتاج کرد که ساکنان مناطق حاشیه‌ای پتانسیل آن را دارند که در چارچوب آموزه «حق به شهر» ظرفیت‌ها و توان‌های بالقوه خود را شکوفا سازند و در جهت بازپس‌گیری شهر از سلب مالکیت‌کنندگان گام بردارند. به‌بیان‌دیگر، توان آن را دارند که به سمت بازپس‌گیری فضای اجتماعی زندگی‌شان از منطق سرمایه و سلطه ارگان‌های دولتی حرکت کنند و موجبات مدیریت همگانی محله را برای خود فراهم سازند.

یکی از مهم‌ترین نکات یافته‌های پژوهش حاضر، تضاد آن با محتوای تحقیقات پیشین مبنی بر تلقی حاشیه‌نشینی به عنوان بستری برای انحراف که بر مبنای یافته این مطالعه آنچه بسیار حائز اهمیت است، تغییر ذهنیت شهرنشینان نسبت به حاشیه‌نشینی بسیار حائز اهمیت است. حاشیه‌نشینی از منزلت پایین و هویتی که محله‌شان در اذهان شهرنشینان دارند آگاه هستند و از آن رنج می‌برند و در مقابل واکنشی که نشان می‌دهند بازگشت به هویت جمعی و محلی خود و تشدید احساس تعلق و وابستگی به آن است. از طرفی نگاه منفی مردم شهر و مسئولان به این مناطق سبب می‌شود ساکنان این مناطق با درک نگاه متفاوت، در تلاش باشند با دستیابی به حداقل توانمندی لازم، سریعاً آن منطقه را ترک و به مناطق مناسب‌تری بروند. این یافته تأییدی بر نظریه فارمر^۱ و پژوهش‌های محمدی و اداک (۱۳۸۹)، سوهی (۲۰۲۰)؛ میرحسینی (۱۳۹۹) مبنی بر خشونت ساختاری همچنین ریشه‌های تاریخی نابرابری مدرن را برجسته می‌کند. نابرابری‌ها و رنج‌های زمان غالباً در تاریخ گسترده‌تری از حاشیه‌نشینی آشکار می‌شوند و این چارچوب زمینه‌ای حیاتی را برای درک زمان حال از نظر رابطه آن با گذشته فراهم می‌کند.

تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده نشان می‌دهد سلطه ارگان‌های دولتی و نابرابری در عدالت فضایی در تفسیر مشارکت‌کنندگان از حاشیه‌ای‌تر شدن حاشیه‌نشینی مؤثر بوده است. مشارکت‌کنندگان پژوهش بر این باورند که فرصت درون بافت رسمی و غیر رسمی‌ای که کنشگر درون آن دست به کنش می‌زند، در توانمندسازی بسیار حائز اهمیت است. این یافته تأییدی بر رهیافت جامعه‌گرایان، گیدنز (۱۳۸۸) هاروی (۱۹۳۵) و پژوهش‌های یاهیه^۲ (۱۹۹۳)، موریس (۲۰۱۹)، ربانی (۱۳۸۹) و ساسمن (۲۰۲۰) مبنی بر حاشیه‌نشینی محصول اوضاع و شرایط است و عوامل بیرونی از جمله فقدان دسترسی به منابع، فقدان مهارت، نامناسب بودن مکان و تنظیمات سیاسی و اجتماعی در استمرار فقر و نابرابری نقش حیاتی دارند.

یکی از چالش‌های مورد اشاره حاشیه‌نشینی هویره، عادی شدن شرایط زندگی

1. Farmer

2. Yahie

حاشیه و عدم حمایت و خود مهارتی است. این یافته تأییدی بر نظریه فقر چرخه‌ای مبنی بر اگر خانواده‌ای، در مقایسه با نسل قبلی خود، از این وضع نجات نیافته باشد، تداوم این فرآیند سرمایه‌ی اجتماعی فرهنگی لازم را برای برون‌رفت از این بحران ناکارآمد می‌کند. این وضعیت وقتی رخ می‌دهد که مردم فقیر منابع لازم از جمله سرمایه‌ی مالی، تحصیلی یا ارتباطات اجتماعی لازم را برای خروج از چرخه‌ی فقر ندارد. وضعیت بد فقرا مانع از آن می‌شود که آن‌ها به منابع اجتماعی و اقتصادی دسترسی داشته باشند. فقیر با زندگی در این فضای زیستی برای همیشه فقیر می‌ماند (نیازی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۲). این یافته با نتایج پژوهش‌های محمدی و اداک (۱۳۸۹)، میرحسینی (۱۳۹۹)، موریس (۲۰۱۹)، سوهی (۲۰۲۰) همخوانی دارد.

در نهایت تلاش شد با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی رابطه میان مکان و پتانسیل بروز آسیب‌های اجتماعی در بخش‌هایی از شهرستان هویزه مورد بررسی قرار گیرد. نتایج تحقیق با تحلیل‌های گرافیکی به صورت نقشه درآمد و میزان خطرپذیری بخش‌های مختلف محدوده نمایش و مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج این تحقیق می‌تواند بسترهای آسیب‌پذیری مناطق را جهت پیش‌گیری و کنترل آسیب‌های اجتماعی را در اختیار برنامه‌ریزان قرار دهد. همچنین براساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود تعدیل و دگرگونی‌هایی بر واژه‌های مختلف حصیرآباد، حلبی‌آباد، زاغه‌نشینی، اتاق‌نشینی و ... واژه اسکان غیررسمی برای انواع مسکنی که مهاجران بیرون از قواعد رسمی شهرسازی می‌سازند، انتخاب شود. این نشانه که پدیده مذکور صرفاً از توسعه اقتصاد ناشی نشده، بلکه به برنامه‌ریزی و به‌ویژه برنامه‌ریزی کالبدی نیز مرتبط است.

پدیده اسکان غیررسمی پیامد روند تکاملی و تحولات تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع و نشأت گرفته از سیاست‌های کلان برنامه‌ریزی است. از این رو جامعه (به مفهوم دولت و مردم) و خصوصاً برنامه‌ریزان موظفند بدن اغماض آن‌ها در راستای رفع عوامل ریشه‌ای و روبنایی اسکان غیررسمی بکوشند. با توجه به فقدان مهارت و حمایت از حاشیه‌نشینان توصیه ارائه زمین و خدمات در قالب پذیرندگی، بدین مفهوم که بهای مسکن با به‌کارگیری استانداردها و شیوه‌های ساخت مناسب در حد قابل تحمل برای

خانوارها پایین آورده شود تا آنکه به پرداخت سوبسیدهای سنگین دولتی ضرورتی نباشد. ارتقای محیطی آلونک‌ها از سازماندهی کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، سازمانی و زیست محیطی یکی از مطالبات مشارکت‌کنندگان است؛ که با همکاری شهروندان به صورت محلی، گروه‌های جامعه محلی، بخش تجاری مقامات محلی به اجرا درآید.

مطابق با یافته‌های پژوهش، از راهکارهای پیشنهادی حاشیه نشینان، احداث استخر جهت ذخیره آب در بستر رودخانه سه شهرستان هویزه، دشت آزادگان و حمیدیه است تا در سال‌های تنش آبی، امکان مدیریت منابع آب مهیا گردد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شهروندان از نگاه منفی مسئولان و شهروندان دیگر سخن گفته‌اند. در همین راستا پیشنهاد می‌شود طبق نظر ریستوفرالکساندر استفاده از الگوهای محله‌ای برای خلق یک واحد فضایی قابل تشخیص و واجد کلیت استفاده شود. حاشیه نشینان دوست دارند ناحیه‌ای که در آن زندگی می‌کنند را به‌عنوان بخشی از شهرشان تشخیص دهند و حسی از مالکیت جمعی و غرور بیابند.

سپاسگزاری

از کلیه مصاحبه‌شوندگان که در طول انجام مصاحبه با محققین همکاری نموده‌اند و خانم سونا آقایی جهت همکاری در شناسایی بافت جغرافیایی منطقه کمال تشکر و قدردانی را دارم.

ORCID

Marziyeh Shahryari



<https://orcid.org/0000-0002-0449-4568>

Fatemeh Hamidi



<https://orcid.org/0000-0002-8472-270X>

منابع

- امان پور، سعید و حسینی سیاه گلی، مهناز. (۱۳۹۹). مدل‌سازی تأثیرات فقر شهری بر ساختار فضایی-کالبدی بافت‌های فرسوده (مطالعه موردی: شهر ایزده، جغرافیای اجتماعی شهر، ۷(۲)، ۷۶-۵۹.
- بوردیو، پی.یر. (۱۳۹۰). تمایز، ترجمه: محسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث.
- بخشی، حامد. (۱۳۹۳). تعامل فرهنگ و ساختار در حل مسئله فقر، *روزنامه جهان اقتصاد*، تاریخ ۴ شهریور، ضمیمه هفتگی خراسان رضوی.
- برنر، نیل، مارکوزه، پیتر و مایر، مارگیت. (۱۳۹۶). *شهرها برای مردم، نه برای سوداگری*، ترجمه دکتر محمود عبدالله زاده، تهران: ناشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول.
- پیران، پرویز. (۱۳۶۷ و ۱۳۶۶). شهرنشینی شتابان و ناهمگون (بخش اول تا نهم): آلونک‌نشینی در تهران، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ۱۵ تا ۲۳.
- پیران، پرویز. (۱۳۶۸). تقدم و تسلط شهری: دیدگاه‌های نظری، *ماهنامه سیاسی-اقتصادی*، ۳۰.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۰). تحلیل جامعه‌شناختی از مسکن شهری در ایران: اسکان غیر رسمی، *جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی*، ۴۸، ۶-۲۷.
- خزایی، مصطفی و رضویان، محمدتقی. (۱۳۹۸). بافت فرسوده؛ فرصت یا تهدید مدیریت شهری (نمونه موردی: بافت فرسوده شهر نهاوند، *آمایش محیط*، ۴۶(۱۰)، ۱۲۵-۱۰۱.
- خیرالدین، رضا و صلاحی مقدم، علیرضا. (۱۴۰۰). توانمندسازی اسکان‌های غیررسمی با گذر از رویکرد نیازمنا به دارایی مبنای (موردکاوی محله فرحزاد تهران)، *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، ۶(۱۷)، ۵۸-۲۹.
- داداش پور، هاشم و علیزاده، بهرام. (۱۳۹۰). *اسکان غیررسمی و امنیت تصرف زمین*، انتشارات آذرخش، تهران، چاپ اول، ۱۹۸.
- رسولی، محمد، احدنژاد، محسن و حیدری، محمدتقی. (۱۴۰۰). تحلیل اهمیت- عملکرد عوامل کلیدی موفقیت در بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری با تأکید بر ذینفعان (مطالعه موردی: شهر زنجان)، *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، ۶(۱۶)، ۱۷۸-۱۴۹.
- شکوری، علی. (۱۳۸۴). رفتارهای حمایتی و دلایل بروز آن‌ها، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۵(۱۸)، ۲۸-

صادقی سقدل، حسین، عصارای آرانی، عباس، رکن الدین افتخاری، عبدالرضا و محمدی تیراندازه، مینو. (۱۳۹۹). بررسی مؤلفه‌های مؤثر کلان اقتصادی بر روند حاشیه‌نشینی بعد از انقلاب اسلامی، *جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای*، ۱۰(۳۶)، ۱۰۳-۱۲۴.

قاسمی سیانی، محمد و حقی، مهدی. (۱۳۹۵). تبیین گستره فقر شهری و شناسایی سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر عدالت فضایی، *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۶(۲۴)، ۲۴۵-۲۴۵.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۰). *نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، چاپ هفدهم، ۱۰۹۶.

میرحسینی، زهرا، بوربور، زهرا، صمصمامی، مرضیه، احمدی، نیره و اختری، زینب. (۱۳۸۹). چالش‌های زندگی روزمره زنان حاشیه‌نشین شهر تهران، *مطالعات راهبردی زنان*، ۲۲(۸۹)، ۸-۳۸.

موحد، علی، ولی نوری، سامان، حاتمی نژاد، حسین، زنگانه، احمد و کمانرودی کجوری، موسی. (۱۳۹۵). تحلیل فضایی فقر شهری در کلان شهر تهران، *انجمن جغرافیای ایران*، ۱۵(۳): ۳-۱۹.

محمدی، جمال و اداک، صائب. (۱۳۹۸). حاشیه‌نشینان شهری و تجربه رنج اجتماعی (محلله نایسر شهر سندج)، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۶(۸۶)، ۱۸۴-۱۵۸.

موحد، علی، کرملاجعب، حسین و محمدی، عباس. (۱۳۹۱). تأثیر جنگ تحمیلی بر شکل‌گیری و گسترش مناطق حاشیه‌نشین، *فصلنامه آمایش محیط*، ۲۴، ۲۶-۱.

نیازی، محسن، عشایری، طاها، سعادت، موسی، منتظری خوش، حسن و عمرانی‌نژاد، فاطمه. (۱۳۹۶). تبیین جامعه‌شناختی فرهنگ فقر روستایی مطالعه‌ای در باب روستاهای استان اردبیل، *مسائل اجتماعی ایران*، ۸(۱)، ۱۶۷-۱۸۹.

Booi, H, Boterman, W R. (2020). Changing patterns in residential preferences for urban or suburban living of city dwellers. *Journal of Housing and the Built Environment*, 35.93-123, <https://doi.org/10.1007/s10901-019-09678-8>.

Brooke Foucault Welles, B.F. Sarmiento, O. (2021). *Networked Inequality: Studies on Diversity and Marginalization*, Olga -osarmien (Editors), *Applied Network Science*.

Bullock, j, Jenkins, M. (2020). *Corruption and marginalization*, *Transparency International Anti-Corruption Helpdesk Answer*,

- Isabelle Büchner, Jessica Ebrard and Marie Chêne, Transparency International Ellie McDonald, Equal Rights Trust
- Cheraghi-Sohi, S, Panagioti, M, White, G., D, Giles, S, Riste, L, Kirk, S, Nio Ong, B, Poppleton, A, Campbell, A, Sanders, C. (2020). Patient safety in marginalised groups: a narrative scoping review, *International Journal for Equity in Health*, 19(1), 26. doi: 10.1186/s12939-019-1103-2.
- Liu I-TH-C, Uchida Y and Norasakkunkit V. (2019). Socio-Economic Marginalization and Compliance Motivation among Students and Freeters in Japan. *Front. Psychol.* 10:312. Doi: 10.3389/fpsyg.2019.00312
- Krahn, G., Putnam, M. (2003). *Qualitative methods in psychological research*. In M. C. Roberts & S. S. Ilardi (Eds.), *Handbook of research methods in clinical psychology*, 177-195.
- Sasman, M. Dolan, C.B. Villegas, D. Eyob, E. Barrett, C. (2021). The Influence of Marginalization on Cultural Attitudes and Trash Disposal Practices in Esfuerzo de Paraíso of the Dominican Republic, A *Qualitative Interview Study*. *Int. J. Environ. Res. Public Health*, 18, 2872. <https://doi.org/10.3390/ijerph18062872>.



استناد به این مقاله: شهریارى، مرضیه،، حمیدى، فاطمه. (۱۴۰۰). برساخت سويه‌های اجتماعی حاشیه‌نشینی و شناسایی آسیب‌های زیست‌پذیری شهرستان هویزه با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی، *فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای*، ۶(۱۹)، ۸۷-۱۳۵.

DOI: 10.22054/URDP.2022.63208.1377



Urban and Regional Development Planning is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی